



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یک‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ - ۲۵ رمضان ۱۴۴۴
سال بیست‌وپنجم - شماره ۶۷۳۲ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سرمقاله

غلبه نرم‌افزاری با معماری جدید منطقه‌ای



محمدرضا اخوان

مدیرمسئول

بعد از اسلام توافق تهران و ریاض، شبیهت زیادی در خصوص این توافق مطرح شد، از جمله اینکه چطور تا همین چند ماه پیش اختلافات عمیقی میان جمهوری اسلامی ایران و حکومت عربستان وجود داشت، پس چگونه ناگهان این اختلافات کناری نهاده شد و روابط به گرمی گرایید؟ برای پاسخ به این سؤال باید دید اختلافات میان ایران و تعدادی از کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی از کجا نشئت می‌گیرد؟ آیا صرفاً گرایش‌های وهابی حاکم بر حجاز به اختلافات میان تهران و ریاض دامن زده است؟ پاسخ قطعاً منفی است، چون اولاً بسیاری از کشورهایی که از اساس مسلمان نیستند هم روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارند و ثانیاً در سیاست خارجی جمهوری اسلامی شیعه و سنی بودن ملاک اصلی حب و بغض نیست، چنانکه از گروه‌های سنی فلسطینی حمایت تمام‌عاری می‌شود.

آنچه میان تهران و ریاض و برخی دیگر از پایتخت‌های عربی فاصله انداخته است، در واقع اختلافات مذهبی و طایفه‌ای نیست، بلکه تفرقه‌افکنی استعماری غربی‌ها، به‌ویژه امریکایی‌ها است. نظام سلطه برای حضور در منطقه غرب آسیا نیاز به توجیه و بهانه‌ای دارد و روزی شعار مبارزه با تروریسم را سر دست می‌گیرد و دیگر روز با ایران هراسی در جهان غرب این هدف را دنبال می‌کند، بر این اساس است که مهم‌ترین متغیر مؤثر بر فاصله تهران و ریاض، سطح مداخله و قدرت اثر‌گذاری امریکایی‌ها بر تحولات منطقه و ترئیبات راهبردی است.

در سال‌های اخیر مرتباً از «افول امریکا» سخن به میان می‌آید. سران کاخ سفید پیش‌تر این گزاره را نوعی تبلیغات مخالفان امریکا معرفی می‌کردند، اما اکنون خودشان نیز گاه به‌طور ضمنی بدان اذعان می‌دارند. مهم‌ترین نشانه این افول را می‌توان در قدرت‌یابی کشورهای بلوک‌های رقیب غرب خصوصاً در آسیا مشاهده کرد. توسعه روزافزون پیمان‌های چون «بریکس» و «شانگهای» و کنش مستقل و خارج از اراده غرب قدرت‌های نوپهوری چون روسیه و چین فرآئی است که ترئیبات جدید بین‌المللی را آشکار می‌سازد. طبیعی است که این تحولات در پیش چشم همه دنیا در حال وقوع است و حتی متجدنان سنتی امریکا نیز کم‌کم با واقعیت مواجه می‌شوند.

خاندان حاکم بر حجاز نیز هرچند به لحاظ سسنتی به دولت امریکا نزدیک بوده و از متجدنان آن به شمار می‌رود، در سال‌های اخیر به تدریج با واقعیت روبه‌رو شده و به‌صورتی کاملاً چراج خاموش در حال نزدیک شدن به رقبای امریکا است. بر اساس شنیده‌ها حتی سران سعودی در سال‌های اخیر در گفت‌وگوهای خصوصی به سران برخی دیگر از کشورهای اسلامی نیز همین رویه را توصیه و نزدیکی به چین را به‌عنوان راه حفظ و بقای در قدرت معرفی کرده‌اند.

در هر حال هرچند جمهوری اسلامی ایران در موضع مقاومت در برابر نظام سلطه مصمم‌تر ایستاده، سعودی‌ها با هر نیتی در حال فاصله‌گرفتن از واشنگتن و نزدیکی به رقبای آن هستند و هرچند این فاصله هنوز به حدی نرسیده که دولت سعودی را از زمره متجدنان امریکا خارج کند، اما در واقع به‌منابه کاهش نفوذ و قدرت مداخله امریکا در منطقه است. از طرفی روندی که تحت عنوان «طبیع» (عادی‌سازی روابط با رژیم‌صهیونیستی) در منطقه شکل گرفته بود نیز کند و حتی متوقف‌شده و جای خود را به بازگشایی روابط با تهران داده است. در هر دو روند تضعیف قدرت امریکا و رژیم‌صهیونیستی مشهود است و این واقعیت از چشم خود صهیونیست‌ها نیز دور نمانده، چنانکه روزنامه صهیونیستی تایمز اسرائیل هم با تلخی اذعان کرد که «بران در حال ساخت یک خاورمیانه جدید است.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی بعد از شهادت سردار سلیمانی انتقام اصلی از امریکایی‌ها را «پایان دادن به حضور فسادبرانگیز امریکا در این منطقه» اعلام کردند و سبلی سخت‌تر را «غلبه نرم‌افزاری بر همینه یوچ استکبار» دانستند. آنچه در این منطقه در حال وقوع است نخستین نشانه‌های این تحول بزرگ و تحقق این وعده صادق است. کاهش قدرت مداخله امریکا در منطقه خصوصاً در میان متجدنان سنتی خودش، شکست پروژه «طبیع» و شکست فانی روزافزون مقاومت همه و همه نشان می‌دهد که خون پاک شهید سلیمانی در حال نمر دادن است. اینک نرم‌افزار شکل‌دهی به ترئیبات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی در حال تغییر است و منطقه غرب آسیا در گذار به «مرکزادایی» است. شاید اختلاف دیدگاه‌های سنتی تهران و ریاض در مسائل عقیدتی همچنان پابرجا بماند و پرونده‌های لاینحلی چون قاجعه منا و خون شهدای مظلوم آن همچنان مفتوح باشد، اما مسائل بسیار سرنوشت‌سازی در حال وقوع است که چهره‌ای جدید از منطقه را به‌زودی به جهان عرضه خواهد کرد.

«مسئله حجاب» عنوان بسیار دقیقی بود که شهید مطهری برای کتاب خود پیرامون حجاب انتخاب کرد. حجاب به واقع در این قرن که جهان مدرنیته به آن با صدای بلند حمله می‌کند، یک مسئله است که در ذهن زنان به‌ویژه جوانان مسئله و سؤال ایجاد کرده است. مسئولان عالی ازجمله رئیس‌جمهور بر حل فرهنگی آن اصرار دارند که البته زمان‌بر و مستلزم کار دقیق و زبان گویا و همزمان حل مسائل اقتصادی و سیاسی است و حل هیچ مسئله فرهنگی در عین پسته بودن گذر گاه‌های اقتصادی ممکن نیست. از طرفی برای پلیس هم عمل به وظایفی که قانون در میان‌مدت مشخص کرده، مغایر تی با کار فرهنگی طولانی مدت ندارد. پلیس از دبروز هنجارشکنی‌های نامتعارف و کشف حجاب را با دوربین و ارسال پیام‌های اخطار و سپس بر خورد مطابق قانون در دستور کار قرار داده و این جدا از برنامه فرهنگی دولت‌ها و درکنار آن است

مسئله حجاب

آغاز برخورد قانونی با هنجارشکنی‌های نامتعارف

رئیس‌جمهور: دولت دنبال حل فرهنگی مسئله حجاب است و اجازه نمی‌دهیم دشمن آن را به یک موضوع امنیتی تبدیل کند | صفحه ۳



رهبر معظم انقلاب در گذشت دکتر افروغ را تسلیت گفتند

پیکر عساد افروغ جمعه شب به قم منتقل شد و پس از برگزاری مراسم دعا و وداع در حرم حضرت معصومه (س)، آیت‌الله جوادی آملی بر پیکر وی نماز اقامه کرد، سپس برای تدفین در صحن حاج آقا مصطفی حرم مطهر امام خمینی به این آستان منتقل شد | صفحه ۲

کاربران شبکه‌های اجتماعی:
مرد اندیشه بود در روزگار اندیشه‌گریزی
صفحه ۵

گزارش «جوان» از سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم

محصولات حجاب و عفاف بیشترین استقبال را داشت

صفحه ۱۶

۲۰۰ حزب داریم اما دولتمرد و حکمران تربیت نمی‌کنند!

دربوش صفرنژاد، تحلیلگر و کارشناس ارشد مسائل اوراسیا در گفت‌وگو با «جوان» کارکرد حزبی یعنی جایی به وجود بیاید که یک دولتمرد قبل از اینکه اداره دولت را به دست بگیرد، روی قانون اساسی، منافع و هنجارهای ملی تأملات دقیقی داشته باشد، قلم بزند، فکر و برنامه‌ریزی کند، ارائه، تعامل و سخنرانی داشته باشد، نظر بگیرد، نظر، چارچوب و نظم بدهد و در یک کلام بتواند در راستای اهداف کلان و آینده پیش‌رو برنامه‌ریزی کند | صفحه ۸

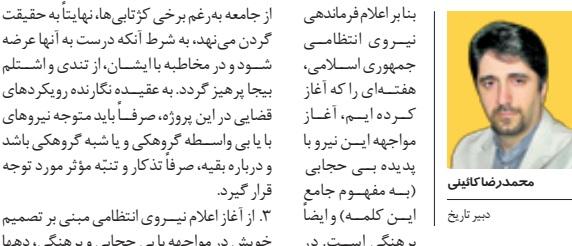
«سده جلال» فرصت هویت‌یابی مقابل غرب‌زدگی

در آذرماه سالی که آن را آغاز کرده‌ایم، زنده‌یاد جلال آل‌احمد نویسنده نامور، پرتکاپو و پراثر ایران صد ساله می‌شود. عمر او طول زیادی نداشت و تنها ۴۶ سال زیست، اما از عرض فراوانی برخوردار بود و توانست سیر افاق و انفس گسترده‌ای داشته باشد | صفحه ۹

گزارش «جوان» از چالش فضای بازی کودکان در پارک‌های پایتخت

پناه بردن کودک از آپارتمان به پارک پرخطر پیمانکاران! فضای مناسبی برای تخلیه هیجان کودک نیست | صفحه ۶

اشاراتی در باب واپسین مرحله از جنگ ترکیبی



مدیرتایخ

این بار، نکاتی مهم در خور تذکار می‌نماید، که لازم است بدان توجهی ویژه مبذول شود.

۱. حجاب در اسلام، فلسفه‌ای روشن دارد. جعل این حکم از آن روی بوده است که فضای حاکم بر روابط اجتماعی راه کاملاً انسانی قرار دهد و ارتباطات عاطفی و جنسی افراد را، به حیطه زندگی شخصی و منازل ایشان سوق دهد، فعالیت اجتماعی سالم و مشمر را توسعه و تثبیت بخشد و از همه مهم‌تر، مانع از آسیب به قشر ارجمند و فعال زن گردد و از ابزار انگاری آن جلوگیری. مثال نقض این قاعده، جامعه غرب است. خوشبختانه حیل و افسونگری آن بخش از عالم، هنوز نتوانسته بر این حقیقت آشکار سربوش بگذارد که در آن خراب‌آباد آمار تجاوز ثانیه‌ای وجود دارد، بخش زیادی از انرژی مردان در جامعه صرف ارضای غریزه اصلی و نیرومند جنسی می‌شود و زنان را به لطماتی دچار می‌سازد که عمری از سوی آنها واگو به نمی‌شود، چه اینکه رسیدگی محتوم و قطعی‌ای در پس آن وجود ندارد! آری غرب در پی این ظاهر فریبنده و بی تفاوت در روابط اجتماعی، چهره‌ای زشت را پنهان داشته است! از این گذشته حجاب حکمی اجتماعی است و مقابله با آن در واپسین مرحله از فریضه امر به معروف و نهی از منکر - که مستلزم اقدام عملی است - به اذعان کثیری از فقهای شیعه، در شأن حکومت اسلامی است.

۲. بی‌نیاز از تذکار است که بخش مهمی از مرتکبان به کشف حجاب در مقطع کنونی را، نوجوانانی کم‌مطالعه، تحت تأثیر رسانه‌های بیگانه یا فضای مجازی و البته پاک طینت و حق‌پذیر تشکیل می‌دهند، که نوع مواجهه با ایشان باید بس دقیق و حساب شده باشد، که البته امید می‌بریم که دستگاه‌های مسئول از جمله نیروی انتظامی، حساب آن را کرده باشند. نگارنده خود در بسیاری از محافل دانشگاهی، پژوهشی و حتی شبکه‌های اجتماعی، به کرات شاهد بوده است که این قشر

بنابر اعلام فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، هفته‌ای را که آغاز کرده ایم، آغاز مواجهه اِسن نیرو با پدیده یی حجابی (به مفهوم جامع اِسن کلمه) و ایضاً برهنگی است. در این باره، نکاتی مهم در خور تذکار می‌نماید، که لازم است بدان توجهی ویژه مبذول شود.

۱. حجاب در اسلام، فلسفه‌ای روشن دارد. جعل این حکم از آن روی بوده است که فضای حاکم بر روابط اجتماعی راه کاملاً انسانی قرار دهد و ارتباطات عاطفی و جنسی افراد را، به حیطه زندگی شخصی و منازل ایشان سوق دهد، فعالیت اجتماعی سالم و مشمر را توسعه و تثبیت بخشد و از همه مهم‌تر، مانع از آسیب به قشر ارجمند و فعال زن گردد و از ابزار انگاری آن جلوگیری. مثال نقض این قاعده، جامعه غرب است. خوشبختانه حیل و افسونگری آن بخش از عالم، هنوز نتوانسته بر این حقیقت آشکار سربوش بگذارد که در آن خراب‌آباد آمار تجاوز ثانیه‌ای وجود دارد، بخش زیادی از انرژی مردان در جامعه صرف ارضای غریزه اصلی و نیرومند جنسی می‌شود و زنان را به لطماتی دچار می‌سازد که عمری از سوی آنها واگو به نمی‌شود، چه اینکه رسیدگی محتوم و قطعی‌ای در پس آن وجود ندارد! آری غرب در پی این ظاهر فریبنده و بی تفاوت در روابط اجتماعی، چهره‌ای زشت را پنهان داشته است! از این گذشته حجاب حکمی اجتماعی است و مقابله با آن در واپسین مرحله از فریضه امر به معروف و نهی از منکر - که مستلزم اقدام عملی است - به اذعان کثیری از فقهای شیعه، در شأن حکومت اسلامی است.

۲. بی‌نیاز از تذکار است که بخش مهمی از مرتکبان به کشف حجاب در مقطع کنونی را، نوجوانانی کم‌مطالعه، تحت تأثیر رسانه‌های بیگانه یا فضای مجازی و البته پاک طینت و حق‌پذیر تشکیل می‌دهند، که نوع مواجهه با ایشان باید بس دقیق و حساب شده باشد، که البته امید می‌بریم که دستگاه‌های مسئول از جمله نیروی انتظامی، حساب آن را کرده باشند. نگارنده خود در بسیاری از محافل دانشگاهی، پژوهشی و حتی شبکه‌های اجتماعی، به کرات شاهد بوده است که این قشر

و نهایتاً نگرانده امید می‌برد که این واپسین مرحله از جنگ ترکیبی دشمنان اسلام و نظام اسلامی، که از نیمه سال گذشته کشته زده شد، نهایتاً با توفیق نظام جمهوری اسلامی پایان یابد و باعث یأس بانیان و متولیان آن گردد. هم آنان که با کشته گرفتن از ایرانیان، موجب خود را افزون می‌ساختند و حساب‌های بانکی خویش را فر به می‌کردند!

www.mci.ir

یک ماه و دو نشان

دریافت عیدی بی‌سابقه در

my mci همراه من

ایسنا: سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در نشست با فعالان دانشجویی در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان درباره موضوع فیلترینگ: ما همان‌ها در برخی کشورهای مدعی آزادی بیان، فساد، برگزاری دادگاه برای سیکوهای خارجی نیستیم، سیاست دولت جلوگیری از تبدیل شدن فضای مجازی به بستری برای ایجاد ناامنی در کشور است و در این راستا فعالیت هر سکوی خارجی که حاضر به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی با ایجاد دفتر در داخل کشور باشد، هیچ منعی ندارد.

مهر: محمدرضا باهنر: من نظارت استصوابی را کاملاً قبول دارم. نظارت استصوابی باید برقرار باشد و ما نیز از آن حمایت می‌کنیم، اما این نظارت باید در چارچوب قانون قرار بگیرد. شورای نگهبان تقصیری ندارد، یک ماه فرصت دارد و باید در باره ۱۵ هزار نفر قضاوت کند. در این فرصت کم یک سری اشتباه هم می‌شود. هیچ حکومتی در دنیا وجود ندارد که تضعیف نظام خود را تحمل کند. اگر در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا فردی کاندیدا شود و بگوید کمونیست هستم آن‌چنان با او برخورد می‌کنند که از اقدامش پیشچمان شود. با نظام نمی‌شود رقابت کرد! اینکه می‌گویم فضای باز باشد به این معنا نیست که عده‌ای رقیب نظام شوند!

ادراکات

منگل یلاس یا مغولیس‌مدرن



رسول ستانی‌راد

کارشناس مسائل سیاسی

مغول‌ها در قرن هفتم با اتحاد قبایل بیابان‌نشین بیابان‌های مغولستان به فرماندهی تومچین یا همان چنگیزخان، قدرتمندترین ارتش را تشکیل دادند. این ارتش ابتدا در جنگ داخلی خشونت، فریب و جنایت را تمرین کرد و سپس این ویژگی‌ها را در حمله به سایر کشورها به کار گرفت.

چنگیزخان که خود پرورش‌یافته فضای توحش و جنایت بود و پس از کشته شدن پدرش در حملات داخلی این قوم به اتفاق سایر اعضای خانواده در بیابان رها شده بود تا خوراک حیوانات وحشی شود، بی‌رحمی و قساوت را با کشتن برادر و کینه‌توزی را به‌هنگام اسارت همسر و قرار از شبیخون شبانه گروهی از مغول‌ها تجربه کرده بود. همچنین او در همین فضای توحش و هراس‌افکنی یاد گرفته بود که با ایجاد وحشت و هراس می‌توان اراده مقاومت را درهم شکست و مقدمه چنین هراسی هم باید جانیتی بزرگ باشد.

به نقل از چنگیز در وقایع‌نامه ارمنی آمده است: «این اراده خداوند

است که ما سرزمین را تصرف کنیم، بر آن فرمان برانیم تا قانون و مالیات‌های مغول به اجرا درآید و مغولان وظیفه دارند کسانی را که با این قوانین مخالفت می‌کنند، بکشند و خانه‌هایشان را ویران کنند تا دیگران که شاهدند یا خبر آن را می‌شنوند، بترسند و مانند آنان رفتار نکنند.»

او البته به برتری نژادی هم‌نژادهای مغول خود اعتقاد داشت و برای حفظ جان آنها برای غارت‌های بزرگ نظامی تازه و کارآمد ابداع کرده بود. به این ترتیب که شهرهای مورد تهاجم، پیش از غارت از مردم و حیوانات کاملاً تهی می‌شد تا خطری برای افرادش که مشغول غارت می‌شدند، پیش نیاید یا تهدیدات به کمترین حد خود برسد.

راه دیگر کاهش تلفات برای مغول‌ها استفاده از سیاست فریب بود که به مردم شهرهای محاصره شده و عده امان می‌دادند تا دروازه را بگشایند و شهر را تسلیم کنند و از قتل و غارت رهایی یابند، اما با ورود به شهر، وسوسه غارت اموال، اسارت مردم و تأمین نیروی کار مجانی و تجاوز به زنان و دختران، وعده امان را به فراموشی می‌سپرد و غارت، تجاوز و جنایت همچنان تکرار می‌شد.

مغول‌ها که در سوارکاری بسیار چابک بودند و با عادت به سختی، در لشکر کشی ضرورتی به همراه داشتن تدارکات و لجستیک نمی‌دیدند و آن را با غارت و چپاول از مناطق سر راه تأمین می‌کردند، به سرعت تا دروازه‌های اروپای شرقی پیشروی کردند اما با مرگ چنگیزخان، اروپا با اشغال آنها در امان ماند.

اروپایی‌ها با اطلاع از قدرت جنگاوری و روحیه تهاجمی و خشن مغول‌ها، اصطلاح «منگل» را بر سرای توصیف بربریت، توحش و همچنین توهین به آنها و تأکید بر عجب‌ماندگی‌شان وضع کردند که امروزه هم از آن برای نامیدن این قوم مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما جالب است که ندیای غرب امروز خود تبدیل به مغولیس‌می مدرن شده است که در باره‌ای موار، روی مغول‌های قرن دوازدهم را سفید کرده یا حداقل با آنها برابری می‌کند.

مهم‌ترین ویژگی‌های مغولیس‌مدرن که همان توحش و بی‌رحمی با ظاهری مدرن و فریبنده است، عبارت‌اند از:

۱- استفاده از هرگونه ابزار و روش خشن برای درهم شکستن مقاومت حریف یا جامعه‌اماج که از به‌کارگیری بمب اتم تا بمب شیمیایی و جنایت‌هایی مثل هوشمیتا تا حلیجه را خلق کرده است.
۲- بهره‌گیری از وحشت و هراس در عرصه مقابله با سایر ملت‌ها و کشورها برای نیل به هدف که از تهدید به حمله تا حمله وحشیانه به هواییمای مسافربری، استفاده از تروریسم کور و خشن تا حملات سنگین هوایی و موشکی علیه مناطق مسکونی و سپس ضرب دادن و وحشت با به‌کارگیری رسانه و پخش خبر و تصویر هدفمند را شامل می‌شود.

۳- بی‌رحمی و جنایت حتی علیه زنان و کودکان برای درهم‌شکستن اراده مقاومت در جامعه هدف که از کشتار زنان و کودکان روستاهای بی‌دفاع و روستامان، افغانستان و عراق تا جلودگیری از فروش دآوری زخم کودکان پورانه‌ای ایران را می‌توان مشاهده کرد.

۴- محورت‌یت معیارها و قوانین غرب برای فشار بر سایر کشورها که به مثابه همان قانون «بایسا» در دوره مغول‌ها که برای تأمین منابع از شوی چنگیزخان وضع شده بود و تمامی کشورهای مورد حمله مجبور به رعایت آن بودند، امروز هم غرب معیارهای جعلی خود را بر تنبیه و غارت کشورهای هدف به کار می‌گیرد.

۵- عهدشکنی و عدم تعهد به توافقات و قرار دادهای رسمی و خروج یکجانبه از آن هم وجه مشترک ک غرب با مغول‌هاست که نیازی به توضیح ندارد. تفاوت مغولیس‌غربی با مغولیس‌قرن هفتم در ظاهری است که بین لشکریان چنگیز با دولتمردان غربی وجود دارد. در مغولیس‌غربی، دولتمردان دارای ادبیاتی سیاسی، لباس اتوکشیده بوده و از عطر اکلن خوشبو استفاده می‌کنند و در چهره آنان خشونت و زخم میدان کارزار وجود ندارد و از بوی متعفن عرق ناشی از تحرک بر روی اسب و خوابیدن در فضای غیر بهداشتی و سخت جنگاوری خبری نیست.

تفاوت دیگر هم این است که مغول‌های قرن دوازدهم تنها بر قدرت سخت و نظامی تکیه داشتند و به‌دنبال قتل و تخریب عینی و مادی بودند، اما مغولیس‌مدرن غربی از جنگ ترکیبی و تخریب و جنایت معنوی و شناختی نیز بهره می‌گیرد و به استحاله فکری و بهره‌گیری از فریب‌خوردگان برای اقدام نیابتی هم بهره می‌گیرد.

با این تفاسیر اصطلاح «منگل» بیش مغول‌ها برانزده غرب است که با عدم درک تحولات فرهنگی و سیاسی جوامع امروز، همچنان به استفاده از شیوه‌ها و ابزار قوت تاتار، تصور می‌کنند که هم‌زمن و سلطه با آنان، توسط سایر جوامع و کشورها می‌تواند مورد قبول و پذیرش قرار گیرد. این عقب‌ماندگی فکری و شناختی برخی دولتمردان غربی تا بدین پایه عمیق و وحشتناک است که عبارت «منگل‌پلاس» برانزده آنان می‌باشد.

۲ جوان

۴ خبر اول

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درگذشت دانشمند فرزانه و انقلابی آقای عماد افروغ را تسلیت گفتند.

به گزارش ایرنا، در پیام رهبر معظم انقلاب آمده است: درگذشت دانشمند فرزانه و انقلابی مرحوم آقای دکتر عماد افروغ رحمه‌الله علیه را به خاندان گرامی و دوستان و همکاران و شاگردان ایشان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم و صبوری و آرامش روحی برای آنان و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم که در سحرگاه جمعه و قدر به لقاءالله پیوست مسئلت می‌نمایم. تلاش‌های فکری‌اش مقبول حق و یادش گرامی باد. سیدعلی خامنه‌ای ۱/۲۶/ ۱۴۰۲

مراسم وداع با پیکر عماد افروغ روز گذشته از دانشگاه تهران آغاز و پیکر آن مرحوم برای تدفین در صحن حاج آقا مصطفی مرقد حرم مطهر امام خمینی به این آستان منتقل شد.

۴ گزارش

پاسخ

روزنامه جوان | شماره ۶۷۳۲ | یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ | ۲۵ رمضان ۱۴۴۴ | سرویس سیاسی ۹۸۴۴۳۹۸۴۴

رهبر معظم انقلاب درگذشت دکتر افروغ را تسلیت گفتند

در این مراسم افراد سیاسی و برجسته کشوری همچون محمد باقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، بهادری جهرمی سخنگوی دولت، علی ربیعی وزیر اسبق تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمد مهدی اسماعیلی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، احسان محمد حسنی رئیس سازمان اوج، حجت الاسلام سعید رضا عاملی دبیر سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی، رضا پورحسین، حجت الاسلام محمدرضا زاری، پیروز حاجانی، محمدحسین رضوی، صالحی امیری و سردار علایی حضور داشتند.

همچنین پیکر عماد افروغ جمعه شب به قم منتقل شد و پس از برگزاری مراسم دعا و وداع در حرم حضرت معصومه (ع)، آیت‌الله جوادی آملی بر پیکر وی نماز اقامه کرد. در این مراسم خانواده آن مرحوم و جمعی از فضایی حوزه و استادان دانشگاه حضور داشتند.

طنعنه نماینده اردبیل به رئیس‌جمهور آذربایجان

نوه که نمی‌تواند پدر بزرگ خود را انکار کند!



الهام علییف، رئیس‌جمهور بیگانه از تاریخ آذربایجان ملت‌هاست برای منطقه قفقاز جنوبی بحران‌سازی می‌کند. او سرمست از قدرتی پوشالی که برای خود تصویر کرده، بعضاً در مرزهای شناخته‌شده هزاران ساله، قشون‌کشی می‌کند و با تصور توسعه‌طلبی مواضعی بر زبان جاری می‌کند که به وهم و خیال بیشتر شباهت دارد. علیف البته خیط دیگری هم بر تکب شده و آن اینکه پای رژیم منحوس صهیونیستی را به منطقه باز کرده و حتی برخی آگاهان سیاسی و تحلیلگران معتقدند او اکنون به صورت نیابتی اهداف تجاوزکارانه این رژیم را نمایندگی می‌کند، جمهوری اسلامی ایران، به واسطه پیوندهای عمیق فرهنگی، مذهبی و تاریخی با ملت جمهوری آذربایجان، همواره کوشیده است با دعوت رئیس‌جمهور این کشور به رعایت اصول همسایگی، مانع از ایجاد هرگونه تنش در منطقه شود و در عین حال مقامات رسمی تأکید کرده‌اند که هرگونه تغییر ژئوپلیتیک منطقه را بر نخواهند تابید و در عین حال از حضور رژیم صهیونیستی به عنوان عنصر نامطلوب و برهم زننده نظم و امنیت منطقه یاد می‌کنند که به‌طور طبیعی تبعات

هرگونه ناامنی در منطقه دامن میزبان این رژیم را هم خواهد گرفت.
نماینده مردم اردبیل، نمین و نیر و سرعین و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، ضمن توجیه ماجراجویی‌های رئیس‌جمهور آذربایجان و دعوت به رعایت حسن همجواری، معتقد است: «برآن تاکنون حوصله به خرج داده‌است اما صبر و حوصله هم حدی دارد، مسا هیچ موضوع مورد اختلافی نداریم، مرزها، حکومت‌ها و دیدگاه‌های هر دو کشور مشخص است و هر کدام از کشورها استقلال و احترام متقابل را حفظ و رعایت کنند.

از سرنوشت صدام عبرت بگیرد
نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، افزود: جمهوری اسلامی ایران در روزهای سخت حق همسایگی را برای مردم بسیار عزیز کشور آذربایجان در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، ضمن توجیه ماجراجویی‌های رئیس‌جمهور آذربایجان و دعوت به رعایت حسن همجواری، معتقد است: «برآن تاکنون حوصله به خرج داده‌است اما صبر و حوصله هم حدی دارد، مسا هیچ موضوع مورد اختلافی نداریم، مرزها، حکومت‌ها و دیدگاه‌های هر دو کشور مشخص است و هر کدام از کشورها استقلال دارند اما قرار نیست نوه‌ای پدر بزرگ خود را منکر شود، آذربایجانی‌ها باید به تاریخ مراجعه کنند»

نیکراد، آذربایجان، همواره کوشیده است با دیپلمات ایرانی از باکو و رفتارهای خارج از اصول همسایگی کشور آذربایجان در مدت اخیر، گفت:

ایران کشور بزرگی است که همواره در طول تاریخ برای همسایگان خود احترام ویژه قائل شده است.

ایران به‌خصوص با همسایگان شمالغرب خود از جمله جمهوری آذربایجان اشتراکات فراوانی دارد و این کشور همواره مورد احترام ما بوده است.

۴ ویژه

مسجد مکی علیه مسجدالاقصی!

عبدالحمید اسماعیل زهی، امام جمعه اهل سنت زاهدان از آن دست افرادی است که به‌خاطر مخالفت با جمهوری اسلامی، فقط بر روی عقاید دینی خود، یعنی فقه اهل سنت - از جمله نفی نهابیت-، پا گذاشت، و نه فقط از اصول انسانی و حقوق بشری عبور و از درد و تروریست حمایت کرد، بلکه حتی به بیان موضوعی متناقض با مواضع قبلی خود هم پرداخت و در واقع خود را نفی کرد تا تأیید ماجرا وقتی بیشتر است که بدانیم این نفی خود، در موضوع روشنی مثل مخالفت با رژیم غاصب و جعلی صهیونیست‌هاست.

اسماعیل‌زهی که پیش از این در نفی مخالفت با اسرائیل، خواستار صلح با این رژیم شده بود، در روز قدس و در حالی که بسیاری از ملت‌های مسلمان - از جمله مردم زاهدان - در راهپیمایی ضدصهیونیستی در حمایت از قبیله اول مسلمان حضور داشتند، او ترجیح داد با اعوان و انصارش، جمهوری اسلامی را هم‌ردیف صهیونیست‌ها معرفی کند و در عین حال، خواستار صلح با اسرائیل شود.

اسماعیل‌زهی با مصاحره به‌مطلوب صلح پیامبر اسلام با یهودی‌های مدینه گفت: «هیچ کس نباید در فکر نابودی دیگران باشد و همه باید در فکر صلح باشند.» حامیان او هم در پلاکاردهایی، مسجد مکی را مسجدالاقصی ایران معرفی کردند! تفاوت میان صلح پیامبر و یهودی‌ها با موضوع فلسطین و اشغال ناکوت مشخص است، اما عبدالحمید اراده کرده حتی از تعقل هم بگذرد! اوئی از مواضع قبلی خود بدون هیچ توضیحی عدول کرده و به مخالفت با خود برمی‌خیزد، دیگر جای انتظاری باقی می‌گذارد؟ او پیش از این، مبارزه با یهودی‌های اشغالگر فلسطین را «هین دستور اسلام» دانسته بود!

عبدالحمید دستورالاهی فروردین ۹۵ با‌اشاره به ویژگی‌های «استکبارستیزی» دین اسلام گفته بود که «مبارزه

دخیل نبود لذا رفتار عجولانه مسئولان آذربایجان دور از انتظار بود. وی در ادامه یادآور شد: یک فرد به دلیل مراجعه چندباره همسرش به سفارت یا اینکه کار قانونی یا غیرقانونی انجام داده است یا اخیر، دست به کار اشتباهی زد، این اتفاق را نباید به پای نظام جمهوری اسلامی بگذاریم. در تمام دنیا ممکن است یک فرد نادان کار اشتباهی را در سفر تفریحی انجام دهد، ۲۰۰ کشور در ایران سفارتخانه دارند و تمام افراد و خانواده‌هایشان هم در امنیت هستند، حال اگر یک فرد نادانی، اشتباهی را انجام داد، آنها باید تا تعطیلی سفارتخانه یا اخراج دیپلمات و غیره صحبت کنند؟! رئیس‌جمهور کشور ما بعد از این رخداد با رئیس‌جمهور آذربایجان تماس گرفت، رئیس‌مجلس نیز پیام داد و اظهار تأسف کرد و بنده هم رسماً با نفر دوم سفارت باکو در تهران تماس گرفتم. جمهوری اسلامی ایران تاکنون عزتمندانه رفتار کرده است لذا به دولت و مجلس آذربایجان توصیه می‌کنم که به تاریخ مراجعه کنند و صحیح رفتار کنند. در روزهای اخیر هم کشور آذربایجان چهار دیپلمات ایرانی را عنصر نامطلوب دانسته و حتماً وزارت خارجه ما هم اقدام متقابل انجام خواهد داد، اما این رفتارها پایان خوبی ندارد.

آذربایجان دست از ماجراجویی بردارد

نایب رئیس مجلس تصریح کرد: ایران برای مردم آذربایجان احترام ویژه قائل است لذا به عنوان یک ایرانی مسلمان و عضو پارلمان و یک آذری‌زبان تأکید دارم که دو ملت ایران و آذربایجان اشتراکات فراوانی دارند و ما تابع رهبر معظم انقلاب هستیم، کشور آذربایجان هم باید دست از این ماجراجویی‌ها بردارد. ایران قبلاً زوده‌شده است و از مودن دوباره اشتباه است، افرادی که در آذربایجان ایفا نقش می‌کنند بحث اداره کشور خود م‌دهند، آنها نتوانستند در عرصه سیاسی و فرهنگی و حتی دفاعی کاری را انجام دهند. نیکراد تأکید کرد: ایران تاکنون حوصله به خرج داده‌است اما صبر و حوصله هم حدی دارد، ما هیچ موضوع مورد اختلافی نداریم، مرزها، حکومت‌ها و دیدگاه‌های هر دو کشور مشخص است و هر کدام از کشورها استقلال دارند اما قرار نیست نوه‌ای بدون خواندن تاریخ، پدر بزرگ خود را منکر شود، آذربایجانی‌ها باید به تاریخ مراجعه کنند»

نیکراد، آذربایجان، همواره کوشیده است با دیپلمات ایرانی از باکو و رفتارهای خارج از اصول همسایگی کشور آذربایجان در مدت اخیر، گفت:

ایران کشور بزرگی است که همواره در طول تاریخ برای همسایگان خود احترام ویژه قائل شده است.

ایران به‌خصوص با همسایگان شمالغرب خود از جمله جمهوری آذربایجان اشتراکات فراوانی دارد و این کشور همواره مورد احترام ما بوده است.

فعالیت سیاسی هم ندارد.

یکی از فعالان رسانه‌ای برانداز در توئیتر دلیل رفتن بنیادی از توئیتر را «زارهای کلامی» مصی‌علیناز نسبت به او می‌داند و افشا کرده که علیناز دنبال «زور گوئی» و «کنترل» بنیادی بوده است.

حسین لامعی مستندساز حامی جریان موسوم به «زن، زندگی، آزادی» هم در استوری اینستاگرامش، دلیل حذف اکانت توئیتر بنیادی را روشن دانسته و نوشته که «بعد از بی‌اعتنایی مردم به طرح و کالت رضا پهلوی (که از ۸۵ میلیون نفر، حتی ۵۰۰ هزار نفر هم امضا نکردند)، بعد بی‌اعتنایی کامل مردم داخل به «منشور همبستگی»، همه ایده‌ها و برنامه‌های آن سوی آبی‌ها به هم ریخت و پهلوی با فشار مشاورانش به این نتیجه رسید که باید کلامسیرش را تغییر دهد». او سپس با اشاره به کناره‌گیری پهلوی از منشور همبستگی و شورای چند نفره اسماعیلیون و علیناز و بنیادی و گلشنیغه‌فراہانی و عبدالله مهتدی می‌گوید که این یعنی «پایان اتحاد آن سوسی آبی‌ها». او سپس از حمله حامیان پهلوی در فضای مجازی به سایر اعضای این شورا نوشت: «پهلوی چپان گسترده و متحد به همه فحش می‌دهد... به اسماعیلیون می‌گویند مجاهد، به قعی کلابی (مصی‌علیناز) می‌گویند نایاکی، به معتدی می‌گویند تجزیه‌طلب، به گلشنیغه می‌گویند بر سوسی آخوندها، به بنیادی هم فحش‌های جنسی می‌دهند». او علیناز را همچون سلطنت‌طلب‌ها دارای «کلی لات و لوت و حامی سبایی» می‌داند که در این وقایع، برای زهرچشم گرفتن از پهلوی شروع به فحاشی به ورشاهه و... می‌کنند. در این جنجال، بنیادی قهر کرده می‌رود.

اینکه نازنین بنیادی چرا قهر کرده، مهم نیست؛ او آدم سیاست نبود و به در همان دوست دختر تام کروز بودن می‌خورد که انجامش داد، اما آنچه مهم است، دیدن صحنه جریان براندازی آشوب‌های پس از مرگ مهساامینی در کشورمان، توانست خود را به عنوان یکی از لیدرهای خارج نشین این جریان به پیاده‌نظام فکری اعضا شورای چندنفره مطابقت دارد!

گزیده خبر

نماز عید فطر

به امامت رهبر انقلاب اقامه می‌شود

ستاد برگزاری نماز عید سعید فطر تهران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: نماز عید سعید فطر امسال در مصلای بزرگ اسام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و به امامت رهبر

فرز آئنه انقلاب اسلامی (مدظله العالی) برگزار می‌شود. به گزارش ایرنا، ستاد برگزاری نماز عید سعید فطر تهران در اطلاعیه شماره یک خود، اعلام کرد: روز دهاران ارجمند، به فضل الهی، نماز عید سعید فطر امسال در مصلای بزرگ امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و به امامت رهبر فرزانه انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) برگزار خواهد شد. این اطلاعیه در ادامه افزود: نظر به پیش‌بینی استقبال ویژه نمازگزاران عزیز، تلاش خواهیم کرد افتخار میزبانی و خدمت را با تسهیل حضور و تکریم وجود شریفان در حد وسیع و توانمان پاس داریم، که البته این مهم، با همه‌ها و همکاری شرکت‌کنندگان در این رویداد بزرگ مقدور و میسر خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب آخرین بار در عید فطر سال ۱۳۹۸ نماز عید را با حضور گسترده نمازگزاران تهران در مصلای تهران اقامه کرده بودند و پس از آن به دنبال شیوع ویروس کرونا در جهان به دلیل رعایت نکات بهداشتی، برگزاری این آیین معنوی با حضور ایشان میسر نشد.

معاون اقتصادی رئیس‌جمهور:

هدف دشمن جلوگیری

از شکست محاصره اقتصادی است



فتنه‌های اخیر دشمن برای جلوگیری از شکست محاصره اقتصادی است، چراکه مطمئن شده‌اند و می‌دانند که محاصره اقتصادی قابل شکسته شدن است.

به گزارش ایرنا، محسن رضایی معاون اقتصادی رئیس‌جمهور در جمع هم‌زمان و ایشان گران سیاه استان لرستان، با اشاره به

شرایط کشور گفت: توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های بین‌المللی یک نرمش قهرمانانه بود و ایران از بسیاری از خواسته‌های خود گذشت کرد تا تحریم‌ها محاصره اقتصادی برطرف شود اما بر خلاف توافق بین‌المللی برجام یک آدم قلدر به نام ترامپ آمد و این توافق را انکار زد و علاوه بر تحریم‌های قبلی که قبل از برجام وجود داشت، روزی نبود که تحریم جدید علیه ایران وضع نکند.

معاون رئیس‌جمهور افزود: حدیاتی بین هم از ابتدای سر کار آمدن تحریم و محاصره اقتصادی شدیدی علیه فروش نفت، کشتیرانی، بنادر ایران، تاجران و شرکت‌های ایرانی اعمال کرد و بنابراین بسیار امیدوار بودند و فکر می‌کردند ایران به زودی تسلیم آنها می‌شود همان‌طور که آمریکا و اروپا و شوروی چنین رویدادی در ابتدای انقلاب اسلامی با جنگ تحمیلی ایجاد کردند.

رضایی افزود: آنها با روی کار آمدن دولت سیزدهم با دولتی مواجه شدند که شروع به شکستن دیوار تحریم اقتصادی کرد و فروش نفت را افزایش داد و درهای بسیاری از بازارهایی که به روی ما بسته بودند را باز کرد و حالا دیدند که محاصره اقتصادی که قرار بود ایران را از پای درآورد در حال شکسته شدن است؛ در شش ماه اول دولت یعنی نیمه دوم سال ۱۴۰۰ تجارت ایران رشد کرد و تورم شروع به کاهش کرد؛ اما متوجه شدند که یک اتفاق و تغییر محسوس در اداره کشور ایجاد شده است و بنابراین برنامه ریزی جدیدی کردند تا تفرقه‌ها داخل را با فشار و محاصره اقتصادی همراه کنند و برای این کار گسل‌هایی در داخل کشور در نظر گرفتند و آنها را فعال کردند. وی خاطر نشان کرد: از مرادماه سال گذشته که مذاکره با رهبر به دلیل زیاده‌خواهی‌های طرف مقابل به بن بست رسید، دشمنان برای به هم ریختن اوضاع داخلی ایران برنامه‌ریزی و بنابراین از شهر یور ماه اقدام به ایجاد آشوب‌ها کردند و خیلی هم امیدوار بودند، اما شکست خوردند و بعد به سراغ تعطیلی بازارها رفتند و دیدید با آن مغاز، در ستنده‌جی که با رئیس‌جمهور آمریکا سر کرد، در فضای مجازی چه کردند که مجبور شد برای کاهش فشارها ۴۸ ساعت بعد عذرخواهی کند. معاون اقتصاد رئیس‌جمهور با اشاره به مشکلات موجود در کشور گفت: در کشور ما ضعف‌ها و اشکالاتی است، اما کسانی که پشت محسنه استنادند و برنامهریزی می‌کنند، هدفشان جلوگیری از شکست محاصره اقتصادی است، چرا که مطمئن شده‌اند و می‌دانند که محاصره اقتصادی قابل شکسته شدن است.



سخنگوی سپاه:

اقدام صهیونیست‌ها علیه ایران

نابودی آنها را تسریع می‌کند

سخنگوی سپاه پاسداران در واکنش به تهدید اخیر رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی علیه ایران گفت: صهیونیست‌ها می‌دانند اگر عملیات نظامی و سیاسی اقدامی را علیه ما آغاز کنند، پایان این اقدام با آنها نیست و قطعاً نابودی آنها را تسریع می‌کند.

سردار رمضان شریف در گفت‌وگو با فارس، درباره اظهار نظر رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی مبنی بر اینکه این رژیم به تنهایی می‌تواند به ایران حمله نظامی انجام دهد، گفت: این اظهار نظر صهیونیست‌ها سخن جدیدی نیست و آنها مطلب مذکور را بارها تکرار کرده‌اند. اما، شاید یک پیام داشته باشد و آن پیام، این است که شرایط امریکایی‌ها در منطقه به گونه‌ای است که امکان حمایت از صهیونیست‌ها را ندارند. وی افزود: امریکایی‌ها به تعمیری تلاش می‌کنند خود را در دامن صهیونیست‌ها نیندازند چون می‌دانند اگر صهیونیست‌ها اقدامی علیه ما انجام دهند، مقابله به مثل ما دامان پایگاه‌های حامی صهیونیست‌ها را خواهد گرفت.

سخنگوی سپاه در ادامه با اشاره به علت اظهار نظر مذکور توسط ارتش رژیم صهیونیستی، تصریح کرد: علت اصلی چنین اظهار نظری توسط رژیم صهیونیستی، می‌توان پیام امریکایی‌ها را دانست که همچون گذشته قادر به حمایت از این رژیم نبوده و حاضر نیستند وارد تیردی شوند که سر نوشت آن به کجا می‌رود. صهیونیست‌ها می‌دانند اگر عملیات نظامی اقدامی علیه ما آغاز کنند، پایان این اقدام با آنها نیست و قطعاً نابودی آنها را تسریع می‌کند. سردار شریف در پایان و در پاسخ به سؤالی دیگر درباره علتی شدن اختلافات امریکا و رژیم صهیونیستی و اظهارات برخی مقامات امریکایی در این باره تأکید کرد: شاید این نوع اظهارات چنین پیامی‌دهی داشته باشد، صهیونیست‌ها می‌خواهند به امریکایی‌ها اعلام کنند که دیگر آن چنان به توان نظامی شما متکی نیستیم و خودمان می‌خواهیم اقدام کنیم. سخنگوی سپاه در پایان، طرح چنین سخنانی توسط صهیونیست‌ها را یک بلوف سیاسی دانست.

گزارش «جوان» از چالش فضای بازی کودکان در پارک‌های پایتخت

پناه بر دن کودک از آوارتمان به پارک پر خطر پیمانکاران!

گلایه شهروندان از مشکلات موجود در پارک‌ها

فضای مناسبی برای تخلیه هیجان کودک نیست

تاب‌هایی که صدای جیرجیرشان در آمده و هر لحظه ترس به دل‌شان می‌افتد تا مبادا کودک‌شان بین زمین و آسمان رها شود. کفپوش‌های تکه‌تکه که ممکن است به پاهای کوچک کودک‌شان گیر کند و وجود شکستگی در بخشی از سرسره که ممکن است لباس آن‌را پاره کند یا حتی به بدنش آسیب بزند، اینها بخشی از دغدغه‌هایی است که بسیاری از والدین هنگام ورود به پارک با آن مواجه می‌شوند. زمین‌های بازی که روزگاری نو شده بود و دیگر در آن خبری از وسایل بازی آهنی نبود، حالا مانند همان لوازم آهنی گذشته خطر ساز شده است. علاوه بر آن در محیط پارک‌ها، اتفاقات متعددی رخ می‌دهد که آنجا را بیش از پیش برای کودکان و خانواده‌های‌شان ناامن کرده است.

■ شکستگی و کثیفی وسایل بازی

چشم‌انکودک از راه دور به وسایل بازی پارک می‌افتد، قدم‌هایش را تندتر برمی‌دارد تا زودتر به آن برسد و یک دل سیر بازی کند. از راه دور، لوازم بازی رنگارنگ و جذاب به نظر می‌رسد و هر کودکی لحظه‌شماری می‌کند که به آنجا برسد. پدران و مادرانی که همراه کودک‌شان به پارک آمده‌اند هم خیال‌شان راحت است که این وسایل مناسب بازی کودک‌شان است اما با نزدیک شدن به محوطه بازی کودکان، شکستگی و خرابی وسایل بازی توی ذوق‌شان می‌زند و نگران می‌شوند که مبادا این شکستگی‌ها برای کودک‌شان خطر آفرین شود.

خانم کریمی مادر یک پسر بچه سه ساله است که هر روز کودکش را به پارکی واقع در خیابان میثم می‌برد. او را بطه با کثیفی و خرابی لوازم این پارک می‌گوید: «در فصل بهار تقریباً هر روز با پسرم به پارک می‌آیم. هر چند وقت یک بار خرابی و کثیفی‌ها در لوازم بازی کلافه‌ام می‌کند اما چاره‌ای ندارم و باز هم برای اینکه کودک کم تحرک داشته باشد و بازی کند، به اینجا می‌آیم».

او ادامه می‌دهد: «یک بار حفاظ تاب کنده شده و بار دیگر زنجیر آن کج و معوج است تا جایی که کودک هنگام تاب‌بازی، مسیرش کج می‌شود و ممکن است با چارچوب فلزی بر خورد کند. در حال حاضر بالای فضای سرسره کودکان، یک بخش از آن شکسته است که اگر کودک حواسش نباشد، تیزی آن با شکم و پهلوش برخورد می‌کند».

■ سگ‌گردانی و ترس کودکان

در حالی که در ورودی اکثر پارک‌ها نوشته شده ورود سگ ممنوع است اما کمتر کسی به این مسئله توجه می‌کند. برخی از افراد برای چرخاندن سگ‌شان آن را به پارک می‌آورند و بی توجه به خطری که برای دیگران ایجاد می‌کند، به محوطه بازی کودکان نیز نزدیک می‌شوند. گاهی برخی از خانواده‌ها نسبت به وجود سگ در پارک‌ها و در نزدیکی محل بازی کودکان گلایه می‌کنند اما گوش صاحبان این سگ‌ها بدهکار نیست و به کار خود ادامه می‌دهند.

خانم ستوده که به همراه دختر چهار ساله خود به پارکی واقع در خیابان ریژه شمالی تهران آمده است، درباره سگ‌گردانی در این پارک می‌گوید: «پسرم از سگ‌ها می‌ترسد. هر وقت که کسی با سگش به پارک می‌آید، دست از بازی می‌کشد و به سمت می‌آید تا بغلش کنم. چند بار به صاحبان این سگ‌ها گفته‌ام که اجازه ورود به پارک را ندارند اما نه تنها توجهی نکرده‌اند بلکه برخی از آنها واکنش تندی نشان داده و قصد بدهکار نیست و به کار خود ادامه می‌دهند».

او ادامه می‌دهد: «یک بار یکی از صاحبان این سگ‌ها که به آبخوری آمده بود، صورت گشش را سمت شیرآب گرفت تا آبخوری را بلبیسد! این کار باعث شد به صاحب سگ بگویم اجازه چنین کاری را ندارم و باید برای گشش ظرف بیاورم. به او گفتم که کسودکان مسا از این آبخوری برای سسختن دستان‌شان یا خوردن آب استفاده می‌کنند، اما آن خانم به کارش ادامه داد و گفت این سگ هم بچه من است و بچه من هم اجازه دارد از آبخوری پارک آب بخورد».

خانم ستوده که از این اتفاق خیلی ناراحت است، ادامه می‌دهد: «حتی وقتی به نگهبان پارک مراجعه کردم و از او خواستم به افرادی که با سگ وارد پارک می‌شوند، تذکر بدهد و اجازه استفاده از آبخوری به آنها را ندهد، گفت که فقط می‌تواند بیاید و آبخوری را بشورد اما زورش به مقابله با سگ‌گردانی نمی‌رسد!».

■ آرایش زیر چرخ موتورسواران

گاهی برخی موتورسواران به خود اجازه می‌دهند وارد پارک شوند و با ویراز دادن جلوی چشم دیگران خودنمایی کنند. عمده این افراد نوجوانان و جوانانی هستند که قصد جلب توجه دارند اما این کار باعث می‌شود کودکان در خطر آسیب قرار بگیرند و حادثه‌ای اتفاق بیفتد.

آقای عباسی یکی از افرادی است که نسبت به تردد موتورسیکلت‌ها در پارک گلایه می‌کند. او در این رابطه می‌گوید: «گاهی نوبام را برای تفریح به پارکی واقع در خیابان علامه امینی می‌برم اما تردد موتورسیکلت و گاهی تک‌چرخ زدن آنها به من استرس می‌دهد. برخی مواقع چند جوان سوار بر یک موتور می‌شوند و بی هدف در پارک می‌چرخند. آنها با ویراز دادن و بالا بردن صدای موتور موجب آزار و اذیت ما می‌شوند».

او ادامه می‌دهد: «مگر غیر از این است که روزانه در سطح شهر با موتورسواران متخلف برخورد می‌شود و مالک موتور را جریمه می‌کنند. پس چرا برای چنین تخلفی که آرامش خانواده‌ها و کودکان را گرفته است، کاری انجام نمی‌شود؟» آقای عباسی می‌گوید: «اگر با موتورسوارانی که قانون پارک را رعایت نمی‌کنند برخورد شود، آنها به مرور زمان خودشان را ملزم به رعایت قانون خواهند کرد».

■ مواد کشیدن معتادان در فضای بازی

شاید قبل تر معتادان از پلیس و بازداشت شدن می‌ترسیدند و فقط شب‌ها در خیابان‌ها دیده می‌شدند، اما حالا آنها به فضای خوش آب و هوای پارک‌ها می‌روند و مواد مخدر

می‌کشند. آقای حسینی که به تازگی به همراه پسرش به پارک کوثر واقع در خیابان ری رفته است، نسبت به حضور معتادان در این پارک گلایه می‌کند و می‌گوید: «چند روز پیش برای کاری به خیابان ری رفته بودم و خواستم پسرم را به پارکی در آن نزدیکی ببرم. وقتی وارد محوطه بازی کودکان شدم، پسرم ذوق زده بود و می‌خواست به سمت لوازم بازی برود، همان موقع بود که چشمم به چند معناد افتاد که بین تاب و سرسره‌ها نشسته بودند و مواد مخدر می‌کشیدند. آنها حدود ۱۰ نفر بودند و آزادانه بدون ترس از اینکه کسی آنها را ببیند، مواد مخدر مصرف می‌کردند».

او ادامه می‌دهد: «فضای بازی کودکان دودآلود بود و بی بدی می‌آمد. آنطور که معتسادان میان لوازم بازی چمباتمه زده بودند، انگار آنجا محل زندگی‌شان است و کسی حق ورود به آنجا را ندارد».

آقای حسینی با بیان اینکه این مسئله را به پلیس نیز خبر داده است، می‌گوید: «با دیدن این صحنه آزار دهنده «بلافاصله دست پسرم را گرفتم و از فضای بازی دور شدم و با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم، اما سوالم این است که آیا نگهبان پارک یا نیروی انتظامی از این وضعیت بی‌خبر بوده‌اند؟ این معتادان در روز روشن و آشکارا در زمین بازی کودکان نشسته بودند و مواد می‌کشیدند، مشخص بود بار اولی نیست که به آنجا آمده‌اند و بار آخر شان هم نخواهد بود!»

او همچنین می‌گوید: «به طور حتم با حضور مستمر نیروی انتظامی در برخی از ساعات شبانه‌روز در تفریحگاه‌ها، ضریب امنیت بالا می‌رود و در این صورت کمتر تخلفات اینچنینی در پارک‌ها اتفاق می‌افتد».

■ خاموشی امنیت در پارک

بسیاری از خانواده‌ها قصد گذران اوقات فراغت در پارک‌هایی چون نهج‌البلاغه را دارند تا ساعاتی را آنجا بمانند و حال و هوای‌شان را در فضای سبز و مطبوع آنجا تغییر دهند، اما پس از غروب خورشید و هنگامی که هوا رو به تاریکی می‌رود، بخشی از چراغ‌های این پارک روشن نمی‌شود! این مسئله مشکلات زیادی را برای افراد حاضر در آنجا ایجاد کرده است.

خانم اکبری ساکن غرب تهران است و عمدتاً به همراه پدر و مادرش به این پارک می‌رود. او در این رابطه می‌گوید: «خاموشی چراغ‌ها برای من و ساکنان این منطقه تبدیل به مسئله‌ای عادی شده است چراکه حتی تماس با سامانه ۱۳۷ هم نتوانست این مشکل را برطرف کند و با کنار آمده‌ایم، اما افرادی که برای دفعه اول به این پارک می‌آیند، بشو که می‌شوند و در تاریکی شب، وسایل پینک‌بک و زیرانداز این آورده‌اند را جمع می‌کنند و از این پارک می‌روند».

او ادامه می‌دهد: «تاریکی پارک نهج‌البلاغه سبب شده است امنیت در این پارک از بین برود، چراکه سارقان و زورگیران زیادی از این خاموشی چراغ سوءاستفاده می‌کنند و مزاحم شهروندان می‌شوند».

■ تاب و سرسره در حاشیه خیابان!

گاهی تاب و سرسره و به طور کلی فضای بازی کودکان در حاشیه خیابان طراحی شده است، به این ترتیب که هر لحظه ممکن است کودک به سمت خیابان برود و پدر و مادرش را با استرس و نگرانی به سمت خود بکشد. گاهی نیز سطل زباله‌ای بزرگ بدون هیچ درپوشی اطراف زمین بازی کودکان دیده می‌شود و پدری اینکه در یکی از پارک‌های شهر نیز باکس برق مشاهده شده که روی دیوار محوطه بازی کودکان نصب شده است، همه اینها ناامنی فضای بازی کودکان را نشان می‌دهد.

■ لزوم توجه بیشتر شهرداری

مشکلات مشاهده شده از سوی خبرنگار نگار «جوان» و همچنین گلایه‌های مطرح شده از سوی شهروندان تنها بخشی از مشکلات موجود در پارک‌هاست. قطعاً مسائل دیگری نیز در برخی از پارک‌های شهر وجود دارد که همه‌شان نیازمند بررسی و رسیدگی فوری مسئولان است.

وقتی خانواده‌ها به همراه کودک خود قصد تفریح و گذران اوقات فراغت در پارک‌ها را دارند، نباید سلامت آنها به خطر بینند یا آرامش‌شان از بین برود، بنابراین نیاز است شهرداری تهران، سازمان مدیریت بوستان‌ها و شورای شهر نسبت به این مسائل دغدغه بیشتری داشته باشند.



بکس برق روی دیوار محوطه بازی کودکان آنها را در معرض خطر برق گرفتگی قرار داده است

زندگی‌های شهری و آوارتمان نشینی موجب شده است کودکان آنطور که باید و شاید نتوانند بازی کنند و تحرک داشته باشند. بد تر اینکه آنها در خانه‌های نقلی با متر از کم، ممکن است با بازی‌های هیجانی‌شان به خود و وسایل خانه آسیب بزنند، به همین دلیل پارک‌های شهر و فضای سبز نزدیک به خانه‌شان می‌تواند بخشی از این خلأ پیش آمده را جبران کند تا آنها با جنب و جوش در محوطه پارک و استفاده از لوازم بازی نصب‌شده در آنجا انرژی‌شان تخلیه شود. در این بین مشکلاتی وجود دارد که موجب آزار کودکان و خانواده آنها می‌شود، مثل خرابی یا شکستگی برخی از لوازم بازی یا کثیفی آنها که سلامت کودکان را تهدید می‌کند یا دوردور کردن به اطرافش در حال بدویدو کردن است، تصادف کند. گاهی هم سگ گردانی در اطراف فضای بازی کودکان، آنها را وحشت زده می‌کند. در تمامی این موارد اما هیچ‌کس در پارک نیست که به این موارد نظارت کند یا به دنبال رفع مشکل باشد. در سال گذشته، هزار و ۵۰۱ شکایت شهروندی در تماس با سامانه ۱۳۷ گرفته شده و خرابی محوطه بازی کودکان در فضای سبز گزارش شده است. همچنین ۱۰هزار و ۵۷۰ گزارش نیز مبنی بر نصب و نگهداشت روشنائی فضای سبز گزارش شده است، البته شکایات دیگری نیز وجود دارد که شهروندان آن را به سامانه ۱۳۷ اطلاع داده‌اند اما این مشکلات همچنان باقی مانده است.



محمدعلی مختاری

مدیرعامل سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهرداری تهران

نگهداری از محوطه بازی کودکان و وسایل بازی آنها بر عهده پیمانکاران است و ناظران مقیم ادارات فضای سبز مناطق بیست‌ودوگانه که در آن ناحیه یا بوستان مستقر هستند یا تردد دارند، آن را رصد می‌کنند. در صورت مشاهده قصور پیمانکاران، ضمن بر خورد قانونی و کسر از صورت وضعیت، پیمانکار مکلف به اصلاح نواقص خواهد شد



یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ | ۲۵ رمضان ۱۴۴۴

مدیرعامل سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهرداری تهران:

تأخیر در جمع‌آوری معتادان تقصیر نیروی انتظامی است

و تعمیر می‌شود؟

همانگونه که اشاره شد موضوعات مربوط به نگهداشت محوطه‌های بازی کودکان و وسایل بازی آن جزو اولویتهایی است که در دفترچه پیمان نگهداری از فضای سبز بر آن تأکید شده است، بنابراین این وسایل به صورت روزانه و مستمر مورد بازدید قرار گرفته و در صورت وجود نقص نسبت به اصلاح آن و تعمیر و بازسازی قطعات اقدام خواهد شد و در صورت اهمال در این موضوع با متخلف برخورد قانونی مطابق مندرجات قرار داده به عمل خواهد آمد.

برخی از بوستان‌ها تبدیل به باتوق برای معتادان متجاهر شده است و گاهی این معتادان در زمین بازی کودکان نیز مدامتصرف می‌کنند. این صحنه آزاردهنده هر روز اتفاق می‌افتد و کمتر کسی است که از آن خبر نداشته باشد. اما چرا به آن رسیدگی نمی‌شود؟

مشکل جمع معتادان متجاهر در بوستان‌ها، معضلی قدیمی و بسیار آزاردهنده است که همواره موجب نارضایتی جامعه هدف بوستان‌ها یعنی اقشار مختلف اجتماعی و به ویژه خانواده‌ها شده است. برای مقابله با این معضل، قرارگاه اجتماعی با مدیریت شهرداری تهران و مشارکت ۱۴ نهاد و ارگان راهاندازی شده که توانسته است موضوع ساماندهی معتادان و جمع‌آوری آنها را به صورت موفق، مدیریت کند که از جمله اقدامات این قرارگاه می‌توان به پاکسازی بوستان‌های متنیق در منطقه شوش (هرندی) و همچنین پروژه بزرگ پاکسازی رود در فرحزاد اشاره کرد. در بوستان میثاق، شاهد تجمع چندصد نفر معتادان بودیم که عملاً امکان حضور شهروندان عادی و خانواده‌ها در بوستان را سلب کرده بود که با اجرای عملیات پاکسازی با کمک نیروی هم‌طور کامل پاکسازی شده است. در رود دره فرحزاد هم معضل معتادان متجاهر، قدمتی بیش از دهه داشت و در مقطعی تا ۸۰۰ نفر معناد در آنجا استقرار داشتند که آن محل نیز به طور کامل پاکسازی و نسبت به نصب برج نوری و کیوسک پلیس در آن اقدام شد. با توجه به ضرورت غریب‌ال بازگشت کردن فرایند پاکسازی و استفاده از حاکمتر ظرفیت اکولوژیکی رود دره مزبور، طرح احیا و ساماندهی آن با هدف ایجاد اکوپارک منطقه‌ای توسط سازمان بوستان‌ها تپیه شده و در دست اجراست، البته این روند در سایر بوستان‌ها نیز در دست اجرا بوده و مشاهده مودی معتادان در برخی بوستان‌ها، عمدتاً ناشی از تأخیرهای مودی در عملیات جمع‌آوری است که توسط نیروی محترم انتظامی صورت می‌پذیرد.

ویراژ موتورسیکلت‌ها و تردد آنها در فضای پارک‌ها اساس ناامنی ایجاد کرده و خطر آفرین است. آیا اقدامی برای مقابله با آن انجام شده است؟

ورود و تردد وسایط نقلیه موتوری به بوستان‌ها جز در موارد اورژانس، انجام عملیات به‌زراری و نیز امور نگهبانی ممنوع است، ضمناً در مواردی که برخی از افراد با سوءاستفاده از محصور نبودن بوستان‌ها این مقررات را زیر پا می‌گذارند، به آنها تذکر داده می‌شود و سریعاً به خارج از بوستان هدایت می‌شوند.

برخی از خانواده‌ها نسبت به حضور سگ در پارک‌ها گلایه دارند. بر خورد با این قانونی مربوط به چه شخص و چه نهادی است و در صورت بروز این مسئله خانواده‌ها چطور آن را گزارش دهند؟

این مسئله دارای دو جنبه است و در وهله اول موضوع سگ‌های ولگرد و بی‌صاحب بوده که ممکن است در بعضی از مناطق مشاهده شود که در صورت رویت، موضوع از طریق نگهبانان بوستان‌ها به سازمان مدیریت پسماند که مسئول ساماندهی حیوانات ولگرد بوده اطلاع داده شود! اکپه‌های سازمان مزبور نسبت به زنده‌گیری این حیوانات اقدام می‌کنند. در جنبه دوم، موضوع سگ‌گردانی در بوستان‌ها مطرح است که از مدت‌ها پیش به دلیل تشدید انتقال بیماری‌های مشترک حیوان و انسان و همچنین احتمال حمله سگ‌ها به افراد حاضر در بوستان‌ها منع شده و در بوستان‌های شهر تهران تابلیی ممنوعیت سگ‌گردانی تعب شده است، متأسفانه تعدادی از افراد مقررات مزبور را مراعات نمی‌کنند که در چارچوب قوانین با آنان برخورد خواهد شد و شهروندان چنین مواردی را به انتظامات بوستان اطلاع دهند تا اقدام لازم انجام شود.

عمده والدین که کودک‌شان را برای بازی به پارک می‌آورند، جایی برای نشستن در اطراف محوطه بازی کودکان ندارند و ناچارند ساعاتی را بایستند. بسیاری از شهروندان این مسئله را به سامانه ۱۳۷ اطلاع داده‌اند اما کاری انجام نشده است.

بیش از ۲هزار و ۳۶۰ بوستان در شهر تهران با ظرفیت کامل در حال بهره‌برداری عمومی است. قطعاً به دلیل تعدد و گسترده‌گی قابل ملاحظه بوستان‌های ادحاتی، امکان وجود نواقصی در آنها محتمل است.

اما سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران به عنوان متولی اصلی فضای سبز شهری، تمام توان خود را به کار گرفته است تا این مشکلات به حداقل برسد و شهروندان بتوانند از امکانات و خدمات بوستان‌ها به نحو احسن بهره‌مند شوند.

امکان نصب دوربین در بوستان‌های پایتخت برای جلوگیری از بروز حوادثی چون سرقت و زورگیری یا مستندسازی این حوادث که ممکن است قربان کودکان و خانواده‌های‌شان را بگیرد، وجود دارد؟

در حال حاضر خبر در تمامی بوستان‌های شهر تهران با همکاری نیروی محترم انتظامی جمهوری اسلامی ایران و با استفاده از نگهبانان بوستان‌ها و نیروهای حفاظتی تلاش شده است محیطی امن و آرام برای استفاده شهروندان فراهم شود، بنابراین در صورت مشاهده هر گونه محلی‌هایی که احتمال وقوع بزه در آن محتمل باشد، نسبت به فراهم‌سازی امکانات حفاظتی اقدام لازم به عمل خواهد آمد.

مشکلات مربوط به پارک‌های پایتخت، وضعیت تعمیر و نگهداری وسایل بازی کودکان و همچنین لزوم ایجاد فضایی ایمن و بهداشتی برای همه آنها‌یی که به پارک‌ها می‌روند از جمله مواردی است که شهروندان هر روز با آن مواجه هستند. در این رابطه «جوان» با محمدعلی مختاری، مدیرعامل سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهرداری تهران گفت‌وگو کرده است.

■ ■ ■

چقدر در پارک‌های تهران به امکانات تفریحی مورد نیاز کودکان توجه شده و آیا قرار است امکانات موجود افزایش پیدا کند؟

در حال حاضر بیش از ۲هزار و ۳۶۰ بوستان در شهر تهران به شهروندان خدمات ارائه می‌کنند و در تمامی بوستان‌ها محوطه جهت بازی کودکان در نظر گرفته شده است که در آن انواع وسایل بازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این وسایل مطابق استانداردهای تعیین‌شده توسط دستگاه‌های ذی‌ربط تعبیه و به صورت مستمر نگهداری شده تا بهترین حالت را برای استفاده کودکان به وجود آورد. قطعاً به مرور زمان و با مستهلک شدن این وسایل، نسبت به جایگزینی آنها با لوازم جدیدتر اقدام خواهد شد. در فرایندی دیگر، ضمن احداث بوستان‌های کودک، تلاش شده است در قالب مصوبه شورای محترم اسلامی شهر تهران در خصوص تبدیل تهران به «شهر دوستدار کودک» علاوه بر خدماتی که اشاره شد، نسبت به مناسب‌سازی بوستان‌ها برای استفاده هر چه بهتر و روان تر گروه‌های سنی آسیب‌پذیر، همچون کودکان و سالمندان اقدام شود.

توزیع امکانات تفریحی در پارک‌های کودکان در بالای شهر و پایین‌شهر چطور است؟

تا قبل از پیروزی شهکمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بیشتر بوستان‌ها در شمال شهر تهران احداث شده بودند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای کاهش فاصله طبقاتی شمال و جنوب شهر تهران نسبت به احداث و توسعه بوستان‌ها با تمرکز بر مناطق محروم اقدام شد، به نحوی که در حال حاضر بوستان‌های «بزرگ مقیاس» عمدتاً در مناطق مرکزی، حاشیه جنوب تهران و همچنین بوستان بزرگ ولایت (منطقه ۱۹) بوستان بزرگ آزادگان – بوستان خلیج‌فارس (منطقه ۱۵) و بوستان بزرگ جانبازان ری (منطقه ۲۰) را نام برسد، ضمن آنکه اولین بوستان مخصوص کودکان در منطقه ۱۸ شهرداری تهران به بهره‌برداری رسیده است. بر همین اساس ذکر این نکته که تراکم بوستان‌ها در شمال شهر تهران بیش از سایر مناطق است، مقرون به صحت نیست، البته شایان یادآوری است وسایل بازی طراحی‌شده در بوستان‌ها با توجه به وسعت محوطه بازی کودکان و طرح ابتدایی بوستان، چیدمان شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وسایل بازی در زمین مختص کودکان گاهی چراک‌آلود یا ناایمن و خراب است. وظیفه رسیدگی به این مسائل بر عهده چه کسی است؟

میجت نگهداری از محوطه بازی کودکان و وسایل بازی آن جزو اولویتهایی است که در دفترچه پیمان نگهداری فضای سبز و تأسیسات وابسته که توسط سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران تهیه شده مورد تأکید و توجه ویژه قرار گرفته است و هنگام عقد قرارداد نگهداری هر ناحیه یا بوستان توسط پیمانکار بخش خصوصی رویت و امضا می‌شود، بنابراین نگهداری از این محوطه‌ها و وسایل بازی آن بر عهده پیمانکاران مربوط است. اما این مهم توسط ناظران مقیم ادارات فضای سبز مناطق بیست‌ودوگانه که در آن ناحیه یا بوستان مستقر بوده یا تردد دارند به صورت روزانه رصد شده و در صورت مشاهده قصور پیمانکاران، ضمن بر خورد قانونی و کسر از صورت وضعیت، پیمانکار مکلف به اصلاح نواقص خواهد شد. علاوه بر آن، ناظران عالی فضای سبز سازمان بوستان‌ها نیز بر روند نگهداشت نظارت می‌کنند. با وجود این شهروندان محترم می‌توانند در صورت مشاهده موارد نقص در این محوطه‌ها و وسایل بازی مراتب را از طریق شماره تلفن ۱۳۷ و نیز تلفن‌های ادارات فضای سبز منطقه مربوط و سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران به اطلاع عوامل نظارتی برسانند و نتیجه را پیگیری کنند.

وسایل بازی پارک‌ها هر چند وقت یک‌بار شسته



کفپوش فلزی در محل بازی کودکان خمیده و شکسته شده که برای آنها خطر آفرین است



اما شما نگاه کنید در کشور ما چیزی به نام کار کرد حزبی غایب است و بخش قابل توجهی از بحران‌های ما دقیقاً از چنین نقطه‌ای برمی‌خیزد، البته در کشور حزب زیاد داریم، نزدیک ۲۰۰ حزب داریم اما کار کرد حزبی نه، تربیت نیرو برای اداره جامعه نه، شما نمی‌بینید احزاب ایران، برنامه‌های دقیق، مدون و مؤثر آموزشی داشته باشند

آیتالله مهدوی کنی ساختار دیگری هم به نام دانشگاه امام صادق- در مکان مدرسه حکمرانی که قبل از انقلاب داشت راه می‌افتاد- راه‌اندازی کردند. رژیم قبل از انقلاب زمانی این مدرسه را ساخت که دیگر انقلاب شده بود، البته یکی دو ترم هم درس را برگزار کردند اما به جایی نرسید. بعد از انقلاب بنا بر این شد که دانشگاه امام صادق این نقش را بازی کند اما ایندولگو این قضیه آیتالله بهشتی شهید شد و آیتالله مهدوی کنی هم تلاش خود را روی این قضیه گذاشت.

دانشگاه امام صادق توانست حکمران تربیت کند؟

خروجی کمی داشت.

چرا؟

به خاطر فقدان کار کرد حزبی. حزب باید احساس نیاز کند و بعد برو تعدادی از کادر خود را در دانشگاه امام صادق بریزد، در مدرسه حکمرانی شهید بهشتی و دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران. خب اینجا خروجی‌های حزب می‌شوند و از دانشگاه که فارغ‌التحصیل شدند، می‌آید حزب و برنامه‌ریزی می‌کنند. پیشنهاد قانون می‌دهند. بودجه و چشم‌انداز و برنامه ارائه می‌کنند. موقعی که پیروز شدند، اینجا را اجرا می‌کنند، رای هم نگرفتند، اینجا را عرضه می‌کنند به کسی که در انتخابات پیروز شده است.

چرا اگر انجسم جامعه و مدیریت ما تحزب را پس می‌زند؟

چون فرهنگش نبوده است.

پس کی شکل خواهد گرفت؟

ناچاریم شکل بدهیم. نظام ما جمهوری است. از عنوان نظام ما چندصدایی برمی‌آید و پایه چندصدایی حزب است، البته نه حزب فصولی. در فرهنگ ما فی‌الذات مانعی برای تحزب وجود ندارد. زمین هموار است. راجل ما باید آن را اجرایی کند.

پس چرا اجرا نمی‌کنند؟

همین نظام حزبی در امریکا یک شبه که متولد نشده است. فراموش نکنیم تا همین ۱۵۰ سال پیش امریکادر گیر جنگ‌های داخلی بود. آن قدر این مدل‌ها را تست کردند که سرانجام به تفاهم رسیدند، البته این را هم بگویم که امروز در دنیا به غیر از جمهوری اسلامی، اکثر نظام‌های سیاسی را تشکیلات فراماسونری اداره می‌کند. سیاستمداران این کشورها را در قالب لژهای روتاری یا فراماسونری به جلسات هفتگی، ماهانه، فصلی، رای حزب و سالانه می‌برند. آنها از همان اوایل اصول سلسله‌مراتبی و نظم و انتظام ملی را یاد می‌گیرند تا در وجود این افراد نهادینه می‌شود، اما ما چیزی به نام نظم و انتظام ملی را در متون آموزشی‌مان ندیده‌ایم. شما نگاه کنید به همین فرهنگ توافیکی ما که یکی از نمداهای نظام ملی است. غیر از این است که ما پر از هرج و مرج هستیم؟ می‌دانید فتوای صریح حضرت امام و حضرت آقا به عنوان مرجع تقلید است که رد شدن از چراغ قرمز حرام است، اما حالا من از آدم مثبت‌ها مثال می‌زنم. طرف می‌خواهد یک شب جمعه برود دعای کمیل. بارها و بارها تخطف اندنگی می‌کند. خط ویژه می‌رود، ورود ممنوع می‌رود، چراغ قرمز نمی‌ایستد، سبقت می‌گیرد. بعد می‌نشینیم با او صحبت می‌کنیم که فتوای صریح است. تو این همه تخلف مرتکب شدی که یک توباب ببری. می‌گویند نه‌این حرف‌ها نیست، در حالی که فتوای صریح مرجع تقلید گوید.

شما دیپلمات بودید و به‌ریی هم جایی اشاره می‌کنند که ما ابایی نداریم شاگردی کنیم و از محسنات فرهنگ غربی بیاموزیم. از غربی‌ها چه می‌توان یاد گرفت؟

نگاه ما به غرب باید خاکستری باشد. نگاه سیاه و سفید به غرب اشتباه است. از طرفی علوم در دنیا امروز دو دسته‌اند؛ یکی علوم الهی که راس آن قرآن است و زبان آن هم عربی است و یکی هم علم جدید که زبانش انگلیسی است. ما اگر می‌خواهیم به آن ایده‌ال برسیم باید از هر دو بهره‌مند شویم. این همان نگاه خاکستری است. اما آن نکته برجسته‌ای که از غرب می‌توان آموخت نظام و انتظام ملی است. اگر بتوانیم این مهم را در کشور پیاده کنیم، خیلی از مشکلات ما حل می‌شود. از راهنمایی و رانندگی تا نگاه سیستمی. اصلاً بخش اعظم اخلاق، اعتقادی و الهی است اما پارهای از آن هم اجتماعی. غربی‌ها بعضاً اعتقاد الهیی ندارند اما آن اخلاق اجتماعی و احترام به حقوق دیگران را دارند.

درباره اخلاق اجتماعی مثال می‌زنید؟

فرض کنید من می‌روم جایی و چون نفر اول هستم و زودتر رسیده‌ام می‌توانم بیشتر بهره‌مند شوم اما صف را نگاه می‌کنم و می‌بینم تعداد متقاضی‌ها زیاد است. می‌گویم همین برای من بکی هم سمت. به این می‌گویند اخلاق اجتماعی. اسلام در این موارد الی‌شماالله رهنمود دارد اما از آن سو نظام و انتظام ملی در اجرای این منویات کمک می‌کند ما مدام دنبال دور برگردان‌ها نباشیم.

نقش کدام نهاد در جانداختن انتظام ملی را برجسته می‌دانید؟

مشکل بنیادین و اصلی ما در جامعه، نوع آموزش و پرورش ماست. این ساختار به جای اینکه بر اخلاق و رفتار اجتماعی- انسانی که اعتقادات ما هم بر آن تکیه کند، اصرار بورزد و در صدد نهادپنه‌سازی آن باشد، بر محفوظات یا می‌فشارد و دانش آموزان ما را عملاً روایت بار می‌آورد. الان بسیاری از دانش آموزان المپیادی ما در دبیرستان‌های دور دوم- چه به شکل غیرانفعالی و چه هیئت امنایی- دروس عمومی نمی‌خوانند. در همین دبیرستان البرز تهران، افزون بر ۱۰ هزار نفر آزمون می‌دهند و در نهایت ۱۰ کلاس دانش آموز می‌گیرند. خب اینجا یک جمع نخبه می‌شود. از این- اکلاس، دو کلاس را برای تأسیس جدا می‌کنند و سال بعد می‌شود یک کلاس. این دانش آموزان در آن سه سال آخر تحصیل عملاً چیزی به نام قرآن، عربی، ادبیات فارسی، دینی و انشا ندارند. فقط ریاضی، فیزیک، شیمی و زبان. توجه می‌کنید چه اتفاقی می‌افتد؟ سسی‌وچندی سال است، ما با بودجه کشور خودمان با یک رویه معیوب نخبه تربیت می‌کنیم و فمره‌اش را دیگران می‌چینند. در همان دبیرستان در گوش او می‌خوانند، یک وقت ایران نمائی‌ها، اینجا تلف می‌شوی، بار و بندبلت را ببند و برو. این ساختار باید اصلاح شود. خب این رویه‌ها را اجرا می‌کنند و بعد هم می‌آیند می‌گویند ما عدالت آموزشی نداریم، در حالی که شما وقتی نگاه می‌کنید، بسیاری از کشورهای پیشرو علم در دنیا چیزی به نام مدارس سمپاد- استعدادهای درخشان- ندارند، این نوع آموزش و پرورش باید جراحی شود.



رئیس‌جمهوری ایران

گفت‌وگوی «جوان» با دکتر داریوش صفرنژاد، تحلیلگر و کارشناس ارشد مسائل اوراسیا

۲۰۰ حزب داریم اما دولتمرد و حکمران تربیت نمی‌کنند!

■ حسن فرامرزی

ماجرای گفت‌وگو با دکتر داریوش صفرنژاد، کارشناس ارشد مسائل اوراسیا جالب بود.

واپسین روزهای سال گذشته گفت‌وگویی با این تحلیلگر درباره جنگ شناختی ناتو در قفقاز جنوبی داشتیم. وقتی متن گفت‌وگو آماده شد، خواهش کردم برای گرفتن



شما در واقع می‌گویید اگر کامیابی هست، تصادفی نیست. ما حاصل برنام‌ریزی و هدف‌گذاری است. مثلاً یک سیاستمدار باید بگیرد چطور دقیق و حساب‌شده حرف بزند و اسیر هیجان‌ها نباشد.

اصطلاحاً سیاست مت‌های می‌گویند. می‌گویند شما وقتی می‌خواهی چیزی را روی دیوار نصب کنی، در جایی که محکم است یک راه این است که شما بیایی از قبل پیش‌بینی کنی که من می‌خواهم اینجا چند چیز را نصب کنم. جاهایی که می‌خواهی اینجا را نصب کنی، مثلاً در دیوارهای بتنی پیش ساخته تعبیه کنی. راه دیگر این است که شما می‌گویی من همین الان باید به نتیجه برسم و همه چیز را دریل انجام می‌دهی.

به قول معروف چون چکش دست توست، همه چیز را میخ می‌بینی.

و مهم این است که یک سیاستمدار بتواند آن چکش را از خودش جدا کند.

چه زمانی می‌توانیم به این نقطه برسیم که سیاستمداران ما بتوانند استقلال خود را از هئیت خود حفظ کنند؟

اگر می‌خواهیم به این نقطه برسیم، یک رچل سیاسی قبل از اینکه به عنوان یک حکمران انتخاب شود، باید در حزب، تفکر منطقی و مستدل و تسلط به هنجارها و قوانین به ویژه قانون اساسی را یاد بگیرد. آن وقت چنین فرد پخته‌ای نمی‌آید نظام سیاسی را زیر سؤال ببرد و مثلاً بگوید قانون کاغذپاره است. توجه کنید ما در ادوار دولت‌ها دورئیس جمهور داشتیم که علناً می‌گفتند قانون کاغذپاره است. این یعنی رچل سیاسی ما تربیت حزبی نشده است یا وزیری بگوید من ۸صبح می‌رفتم بسر کارم، یک دفعه راننده‌ام رادیو را روشن کرد و از اخبار شنیدم من استعفا کرده‌ام. حتماً شنیده‌اید یکی از وزرای بهداشت ما این را می‌گوید که به راننده گفتم مرا برگردان خانه، خب الان من با این وضعیت چرا اصلاً به وزارتخانه بروم، اما در نظام‌های حزب‌گرا این طور نیست. بالاخره نظام ما پس از انقلاب، جمهوری شد و اساس جمهوری هم پذیرش چندصدایی و تضارب آراست، نظام از ابتدا تحزب را پذیرفته است.

پس چرا اجرا نمی‌شود؟

به خاطر نبود فرهنگ اجرایی. ما در بطن تحزب، حکمران باید تربیت کنیم. تربیت حکمران هم فقط خاص یک جناح نیست. الان در حدود ۸۴کشور دنیا مدرسه‌های حکمرانی فعالیت می‌کنند. چهار سال قبل کشور ما به عنوان هشتادوینچمین کشور، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی را ذیل دانشگاه عالی دفاع ملی تأسیس کرد، اما باز این شیوه به تربیت حکمران منتهی نمی‌شود.

چرا؟

چون این مدارس در نهایت متون حکمرانی تدوین می‌کنند.

در حال حاضر در حوزه آموزش اصول حکمرانی فقط همین یک مدرسه را داریم؟
دانشگاه تهران هم در سال ۱۴۰۰ دانشکده حکمرانی‌اش را تأسیس کرد، ساختمانی هم برایش گرفته‌اند. اولین دوره دانشجویان را هم جذب کرده‌اند، اما توجه کنید باز هم مدرسه حکمرانی نیست، دانشکده حکمرانی است.

فرقش چیست؟

مدرسه حکمرانی متصل به تفکرهای سیاسی است که در انتخابات حضور دارند تا دولت و مجلس را به دست بگیرند. دانش‌آموختگان این مدرسه باید تجربیات دولتمردان قبلی را در حوزه اقتصاد، صنعت، بانک و سیاست‌های پولی بشنوند و فرا بگیرند.

آقای دکتر! چه کنیم این شلختگی فضای سیاسی ما جای خود را به نظم و حرکت حساب‌شده ملی بدهد؟

من روزی جلسه‌ای با یکی از سیاستمداران اروپایی داشتم. پنج دقیقه زودتر رسیدم. آن سیاستمدار مرا برد داخل که پنج دقیقه آنجا منتظر نشسینم. طبق برنامه قبلی با یک رئیس حزب دیگری بازی شطرنج داشت و وقتی مرا دید توضیح داد این کار، تفریح نیست، به خاطر بیکاری نیست. این جزئی از کار من است.

یعنی موضوع کاملاً جدی است.

بله، کاملاً جدی است. در واقع استدلال او این است که من شطرنج بازی می‌کنم و به عنوان یک سیاستمدار ذهن من باید بتواند توانی و تأثیر حرکت‌ها و پیش‌بینی حرکت‌های رقیب را در کنار هم ببیند و بسنجد.

پیش از شروع گفت‌وگو می‌گفتید تهران زمین گلف زیادی دارد اما ما از منطق پشت این بازی چندان استقبال نمی‌کنیم. چه کسانی استقبال می‌کنند؟

سفار تخانه‌ها و شرکت‌های خارجی.

در گلف چه می‌بینند؟

آنها می‌گویند ما در گلف یاد می‌گیریم چطور یک نتیجه کوچک و دلخواه را در زمین و فضای بزرگ به دست بیاوریم. از طراحی تا نتیجه رساندن و در زمینی به آن بزرگی یک توپ کوچک را در یک حفره بیندازید.

و اینکه این توپ ممکن است در آب یا گل و لای بیفتد.

اصلاً دره برود. بالای بلندی برود.

و چطور توپ را از آن فضاها بیرون بکشید. مثل این است که یک سیاستمدار ورزیده می‌تواند با حرکتی سنجیده و ضربه‌ای که کنترل شده و زاویه‌ای که سنجیده است، منافع ملی یک کشور را از فضایی تنگ و تاریک بیرون بکشد.

بله. این هنر نیست که من یک سیل جلوی خود بگذارم و یک مسلسل دستم بگیرم و به هدف شلیک کنم. شما اگر با مسلسل ۵۰۰هتیر به یک سیل بزنی، بالاخره دو تیر به هدف می‌خورد. اصلاً تیرانداز هم نباشی و یک مسلسل به شما بدهند با این اندازه تیر، بالاخره سه تیر را به هدف می‌زنی، اما هنر این است که شما سه تیر داشته باشی و همان‌ها را به هدف بزنی. یعنی با کمترین هزینه، به بیشترین دستاورد برسی.

شما در واقع می‌گویید سیاستمداران غربی یاد می‌گیرند که منابع محدود است.

همه چیز، ساختار، سبازمان، پرسنل، ساعت کار. می‌دانید در اکثر کشورهای اروپایی چیزی به اسم اضافه کار وجود ندارد، مگر در موارد بسیار خاص، یک دیسیپلینی حاکم است.

یعنی این ذهن تربیت می‌شود که با منابع موجود به درستی از تباطو برقرار کند.

بعضی‌ها می‌گویند شما همه چیز را آماده کن و در اختیار من قرار ده تا من برایت کار کنم. ذهن بسیاری از مدیران جامعه ما این است که شما بودجه‌ای در اختیار من قرار ده تا من آن بودجه را هزینه کنم.

چرا به این نقطه رسیدهایم؟

شما وقتی دقیق شوید، می‌بینید ضعف دولت‌های بعد از انقلاب سر نداشتن حزب با کار کرد حزبی بوده است.

منظور تان از کار کرد حزبی چیست؟

کار کرد حزبی یعنی جایی به وجود بیاید که یک دولتمرد قبل از اینکه اداره دولت را به دست بگیرد، روی قانون اساسی، منافع و هنجارهای ملی تأملات دقیقی داشته باشد. قلم بزند، فکر و برنامه‌ریزی کند، ارائه، تعامل و سخنرانی داشته باشد، نظر بگیرد، نظر، چارچوب و نظم بدهد و در یک کلام بتواند در راستای اهداف کلان و آینده پیش رو برنامه‌ریزی کند. مثل آمادگی‌ای که نیروی نظامی یا انتظامی در مانور به آن می‌رسد، اما شما نگاه کنید در کشور ما چیزی به نام کار کرد حزبی غایب است و بخش قابل توجهی از بحران‌های ما دقیقاً از چنین نقطه‌ای برمی‌خیزد، البته در کشور حزب زیاد داریم، نزدیک ۲۰۰حزب داریم اما کار کرد حزبی نه، تربیت نیرو برای اداره جامعه نه، شما نمی‌بینید احزاب ایران، برنامه‌های دقیق، مدون و مؤثر آموزشی داشته باشند.

احزاب ما موسمی و فصلی هستند و طبیعی است از این رودخانه‌های موسمی آبی گرم نمی‌شود. علت چیست؟

هزارو ۵۰۰سال ساختارهای دیگری در ایران حاکم بوده، نظام پادشاهی بوده، همیشه یک نفر و یک خاندان برای یک مجموعه و کشور تصمیم می‌گرفته می‌توان گفت ما به‌کارگیری عقل جمعی را در ریشه، بن و بن خود نداریم، یعنی تمرین‌های جدی برای این کار نداشته‌ایم.

حتی دولت که الان با این همه چالش روبه‌رو است، به مفهوم واقعی کلمه از مردم استمداد نمی‌جوید، انگار ما صدای هم را نمی‌شنویم. منظورم این است که اولا چالش‌ها را بدون رودریاستی با مردم در میان بگذارند و ثانیا از مردم برای حل این چالش‌ها راهکار بخواهد.

چون بلد نیستیم باهم کار کنیم. چون حزب نداریم. یک چیز درباره کار کرد حزب بگویم. حزب به خاطر آن است که رچل را آماده کند تا وقتی طرف در انتخابات پیروز شد، نیم و برنامه‌ها از قبل آماده باشد. در واقع حزب برای این کار چهار سال وقت دارد، اما دولت‌های ما که سر کار می‌آیند تازه چند سال طول می‌کشد آزمون و خطا کنند. این پدیده مبتلابه جامعه ماست و جناح خاصی هم نمی‌شناسد. به این جناح و آن جناح هم ربط ندارد.

خب ما چه کنیم؟

حتماً شنیده‌اید در دولت یازدهم تا شش قبلی که لیست وزرا به مجلس برود، قرار بود آقای واعظی وزیر خارجه باشد، روزی که لیست به مجلس رفت، آقای ظریف وزیر شد. نتیجه چه شد؟ همیشه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم دو وزیر خارجه داشتیم. یک وزیر خارجه سایه و یک وزیر خارجه در صحنه. قهری هم که آقای ظریف کرد و دو بار استعفا کرد، به خاطر این بود که وزیر خارجه در سایه آمده بود یکسری برنامه‌ها برای آقای رئیس‌جمهور ریخته بود، مثل ملاقات با آقای بشار اسد، از طرفی وزیر خارجه در صحنه را در جریان نگذاشته بود و آقای ظریف هم قهر کرده بود که چرا من را در جریان نگذاشتید.

شما می‌گویید این‌هنر نه‌ها و موازی کاری‌ها به تشکل مند نبودن ما برمی‌گردد.

این اتفاقات نشئت گرفته از عدم کار کرد حزبی است. من با فرد کار ندارم. ما باید کار سیستمی را یاد بگیریم. الان ورزشکارهای ما همین مشکل را دارند. اردوهایی که در اکثر باشگاه‌های حرفه‌ای دنیا هست، مبتدی بر ساعت کاری دقیق است. بازیکن ۸صبح می‌آید. یاد می‌گیرد صبح زود بلند شود تا ۴بعدازظهر. بازیکن حرفه‌ای پنج روز هفته باید در باشگاه باشد. در این پنج روز بازیکن به کتابخانه می‌رود، مطالعه می‌کند، فیلم بازی تیم‌ها را می‌بیند، آنالیز و تحلیل دریافت می‌کند. وعده‌های غذایی را مطابق برنامه‌ریزی باشگاه می‌خورد و سر جلسات تمرینی حاضر است.

پیش‌خواران

«علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای» در آینه یک پژوهش نوانتشار

«مواضع مشترک امامین انقلاب» در باب خروج از انحطاط

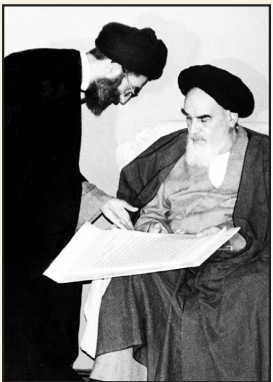
■ شاهد توحیدی



موضوع علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از جمله نکاتی است که از دیرباز ذهن متفکران اسلامی را به خویش مشغول داشته است. در دوران معاصر اما این مقوله از

جنبه‌های گوناگون و بیش از گذشته، مورد توجه مسلحان و عالمان دینی قرار داشته است. اثری که هم اینک به شما معرفی می‌شود، علل این پدیده را از منظر امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش از سوی راضیه مهرابی کوشکی انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن اقدام کرده است. تارنمای ناشر در یادداشتی در باب اهمیت موضوع و نیز فصول این پژوهش به نکات ذیل اشارت برده است:

«مرکز اسناد انقلاب اسلامی در جدیدترین اثر خود، علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را بررسی می‌کند. نسبت جهان اسلام با دنیای امروز، از جمله موضوعاتی است که در آثار متفکران و اندیشمندان اسلامی معاصر بسیار حائز اهمیت است. این ضرورت در اندیشه عالمانی که خود پیشرو و پیشگام بسط و اجرای قواعد دینی در چارچوب‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. از این رو بررسی اندیشه رهبران انقلاب اسلامی- که بی‌شک بزرگ‌ترین رویداد اسلامی قرن اخیر برای حکومت دین در جامعه است- بسیار راهگشا خواهد بود. کتاب علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای از



۱۳۶۰. مراسم تقدیم حکم اولین دوره از ریاست جمهوری رهبر معظم انقلاب

این منظر موضوعیت دارد که به یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام و از دیدگاه مهم‌ترین رهبران سیاسی مذهبی معاصر می‌پردازد. این اثر در یک مقدمه و سه بخش سازماندهی شده‌است. در مقدمه کلیاتی همچون: مفاهیم پژوهش، روش تحقیق و مبانی نظری بررسی و باز تعریف می‌شود. نخستین بخش کتاب، به بررسی علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی اختصاص دارد. علل داخلی و خارجی انحطاط در کشورهای اسلامی و همچنین راهکارهای خروج کشورهای اسلامی از انحطاط، مهم‌ترین سرفصل‌های این بخش را تشکیل می‌دهند. در بخش دوم علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. در گام اول علل داخلی انحطاط، از منظر رهبر انقلاب اسلامی با مفاهیمی همچون فرهنگ پس‌رونده، فرقه‌گرایی و حکومت‌های مرتجع بازیابی می‌شود. فصل دوم این بخش با محوریت مفهوم نظام سلطه، پیرامون علل خارجی انحطاط در کشورهای اسلامی به بحث می‌نشیند. همچنین خروج از انحطاط در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز راهکارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متعددی دارد که به عناوین مختلف آن در فصل سوم بخش دوم اشاره شده است. نویسنده در بخش پایانی کتاب با عنوان نتیجه‌گیری تفصیلی، مواضع مشترک امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی و مواضع مشترک در راهکارهای خروج از عقب‌ماندگی را صورت‌بندی می‌کند. همچنین جایگاه الگوی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در میان نظریات توسعه، آخرین عنوانی است که نویسنده به آن می‌پردازد. علل عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به قلم راضیه مهرابی کوشکی به نگارش درآمده و در ۲۹۶صفحه با قیمت ۶هزار تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. علاقه‌مندان می‌توانند به منظور تهیه این اثر، به صفحه مرکز اسناد انقلاب اسلامی مراجعه کنند...».

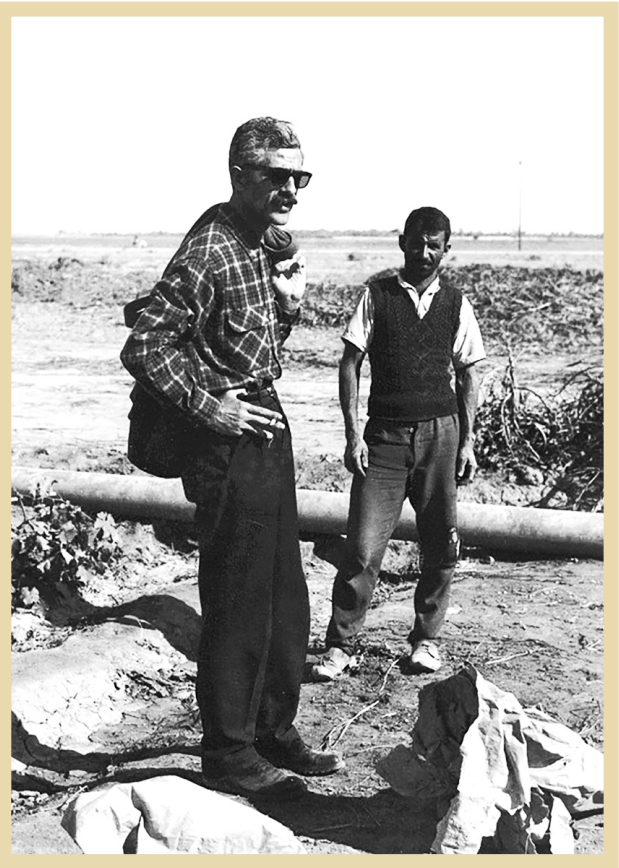
■ احمد رضا صدری

در آذرماه سالی که آن را آغاز کرده‌ایم، زنده‌یاد جلال آل‌احمد نویسنده نامور، بر تکیا یو و پرائر ایران ۱۰۰ساله می‌شود. عمر او طول زیادی نداشت و تنها ۴۶سال زیست، اما از عرض فراوانی بر خوردار بود و توانست سیر آفاق و انفس گسترده‌ای داشته باشد، بسا مکاتب را به نیکی بشناسد، آنها را به نقد بنشیند و نهایتاً از سوی بسا قلم به دستانی که پس از او به عرصه آمدند، مورد تقلید قرار گیرد. گراشی به آل‌احمد تا هم اینک نیز ادامه دارد، چه اینکه آثار وی در میان نویسندگان معاصر ایرانی، همچنان در عداد پرفروش‌ها و پرخواننده‌هاست. آل‌احمد در طول حیات پرشتاب خویش، عمدتاً به نظر به «غرب‌زدگی» شناخته می‌شود، حتی بسا صاحب‌نظران واپسین اثر او یعنی «در خدمت خیانت روشنفکران» را نیز تابعی از آن قلمداد می‌کنند. پرداخت چنین ایده مؤثری، نخست از وقایع زندگی شخصی آقای نویسنده و ماجراهای آن آغاز شده و سپس به مر حله نظریه پردازی تدوین رسیده است. در مقال بی‌آمده تلاش شده‌است با استناد به پاره‌ای خاطرات و تحلیل‌ها، این فرایند شفاف شود.

■ ■ ■

■ بچه آخوندها معمولاً وقتی به سن عقل می‌رسند، از خانه پدری می‌پرند!

در دیباچه اشارت بردیم که ریشه‌های شکل‌گیری نظریات فرهنگی و سیاسی زنده‌یاد جلال آل‌احمد را باید در گذشته‌های دور و مقطع دور شدن او از خانه پدری جست‌وجو کرد. او در آن دوره به تناسب فضای ایجادشده پس از شهر یو ۱۳۲۰ به سوی حزب توده رفت و در آن مدارجی بالا را طی کرد. با



۱۳۴۱-جلال آل احمد در سفر به سربل خداب

امسال نظریه‌پرداز «غرب‌زدگی» ۱۰۰ساله خواهد شد

«سده جلال»

فرصت هویت‌یابی مقابل غرب‌زدگی

را بر نمی‌تابید، با عده‌ای از همفکرانش به انشعاب از این تشکّل پرداخت. این دوره مصادف بود با فراگیر شدن امواج نهضت ملی ایران و هم از آن روی آل‌احمد و دوستانش، به حزب زحمتکشان روی آوردند. این همکاری نیز دولتی مستعجل داشت و انشعابون این بار، به تأسیس نیروی سوم پرداختند. آل‌احمد از آن دوره به بعد، قید کار حزبی را زد و به نظر به پردازی فرهنگی و سیاسی روی آورد. نضج گرفتن نخستین مبانی غرب‌زدگی در ذهن او، معلول این دوره است. زنده‌یاد شمس آل‌احمد برادر جلال، فرایند فوق‌آمده را اینگونه تحلیل کرده است:

«بچه آخوندها معمولاً وقتی به سن عقل می‌رسند، از خانه پدری می‌پرند نوعی بی‌زاری نسبت به آنچه در چارچوب خاص و محدود خانه پدری بر آنها تحمیل می‌شد، در اکثر آنها، با شدت و ضعف دیده می‌شود. من نه تنها نسبت به پدر که بسیار جدی، خشک و متعصب بود که در جوانی نسبت به آقا سیدمحمود طالقانی که روشنفکرتر و امروز‌تر هم بود، هیچ تمایلی نداشت‌م. مثلاً می‌دانستم در خیابان استانبول – که مرکز کاباره‌ها و فسق و فجور آن زمان بود- جانماز پهن کرده‌است، اما ترجیح می‌دادم از جلوی در مسجد او عبور کنم و به فلان کافه بروم و برنامه‌های آن را ببینم. این برای جلال هم اتفاق افتاد؛ چیزی که او را به ترجمه محمد و آخرالزمان هم سوق داد، اما آخر و عاقبت جلال را هم دیدید؛ غرب‌زدگی و در خدمت و خیانت روشنفکران، تا جایی که در این اواخر با پسر رابطه و الفت خوبی پیدا کرده بود، خیلی بیشتر از من و البته من فرصت ادای دین به پدر را پیدا نکردم و زودتر از آنکه به فکر و علایق و اعتقادات او برگردم، دیده از دنیا فرو بست، اما از جایی به بعد، توانستم پدر را بیشتر در کتم و فهمیدم او چندان هم بیراه نگفته و نفهمیده است، مخصوصاً زمانی که دل‌بسته کسی شدم که

شباهت رفتاری و ظاهری زیادی به پدر داشت و تصمیم گرفتم ناسپاسی‌های خودم نسبت به پدر را در خدمت به او جبران کنم...».

■ جلال مکاتب دیگر را شناخته، اشکالات آنها را در یافته و با نگاهی عمیق به سن دینی بازگشته است

آنچه در فصل پیشین آمد را سیدمهدی طالقانی در زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی به گونه‌ای دیگر و از زبان پدر واگویه کرده است. طالقانی که با آل‌احمد خویشاوند بود، از نزدیک نشو و نمای آل‌احمد را زیر نظر داشت و از واپسین مت‌لگه فکری و عملی وی، روایت و تحلیلی شنیدنی داشت. شمه‌ای از این مهم، در روایت فرزند وی انعکاس یافته است:

«آقا به جلال نگاه خاصی داشت و بهتر است بگویم که او را به خاطر شجاعت و روشن‌بینی‌اش تحسین می‌کرد. دل‌پیش هم این بود که می‌گفت: جلال رفته و مکاتب دیگر را دیده، اشکالات آنها را در ک کرده و سپس با نگاهی متعالی‌تر و عمیق‌تر، به سنت‌های دینی و ملی خود بازگشته است. این حسن جلال است که گاه تا مرز نصیحت و آموختن پیش می‌رود، مخاطبان خود را متوجه تقلید کور کورانه از غرب و ندیدن واقعیات آن جلب کند. این تقلید که به باور جلال با سیاست‌های مدرنیزاسیون پهلوی همراه بوده است، تنها به ورود برخی از ارزش‌های متناقض با فرهنگ ایرانی – اسلامی منجر شده است که ضمن به بار آوردن ابتذال، وابستگی و عقب‌ماندگی، از باطن و برخی از واقعیات آن یعنی دموکراسی و سنت‌های بومی بوده است. به اعتقاد جلال، این موضوع ناشی از زرتجمایی غرب توسط رژیم پهلوی است که با نادیده گرفتن خودباوری و تکیه نکردن بر مردم و نیروهای داخلی، تنها موجبات وابستگی بیشتر به غرب را به همراه داشت...».

■ خودباختگی در مواجهه با فناوری و ترک خوی انسانی

اما جوهره نظر به غرب‌زدگی آل‌احمد چه بود که آن همه بحث و ترس را برانگیخت؟ به نظر می‌رسد نویسنده خودباختگی جهان سوم در برابر ماشینیسم را بستر ساز ورود فرهنگ و آداب و عادات آنان به این کشورها قلمداد می‌کند و از این بابت، نگرشی انتقادی یافته است. جلال ماشین را نماد یک جهان‌بینی می‌داند و معتقد است غرب به حیل و رندی و در پوشش آن، اندیشه خویش را به خلق‌الله تحمیل می‌کند؛ اسمیه زمانی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در ارزیابی این موضوع آورده است:

«به نظر آل‌احمد سرچشمه بسیاری از تباهی‌های اجتماعی و فرهنگی، به غفلت و هدررفت میراث سنت و تسلیم در برابر غرب و تقلید افراطی از آن مرتبط بود. او این وضعیت را در مجموع غرب‌زدگی نامید و آن را نخست در کتایچه مختصری با همین عنوان منتشر کرد، البته این کتاب در ابتدا گزارشی بود که

ساربخ

تاریخ ۸۸۹۸۴۲۷

د

توصیفات زنده‌یاد جلال آل‌احمد از انسان غرب‌زده، همچنان زنده و تازه می‌نماید. او معتقد است فرایند غرب‌زدگی از اقتصاد آغاز می‌شود، سپس با فرهنگ تداوم حیات می‌دهد و نهایتاً انسان‌ها و افراد یک جامعه را مسخ می‌کنند! او که به تناسب حضور مستمر در عرصه روشنفکری، از این افراد در اطراف خود فراوان می‌دید، مهم‌ترین خصلت آنان را ترس، آن هم از جنبه‌های گوناگون و از جمله آشکار شدن چته خالی آنان قلمداد کرده است

را روغن بز نیم- نمی‌گفت بنزین بز نیم- و باهم یک سفری برویم. آقا گفت: حتماً، من هم علاقه‌مندم. به عنوان خاطره اول، یک چنین چیزی از آن دیدار در خاطرم هست. مورد دوم، زمانی بود که آقا از زندان آزاد شده بود و جلال به دیدار ایشان آمد. در آن محفل، بعضی‌ها هم بودند که جلال را نمی‌شناختند. آقا ایشان را به جمع معرفی کرد. یکی از حضار، بی‌کلام آقا را گرفت و از دیانت جلال خیلی تعریف کرد! آقا با خنده گفتند: به این سید این حرف‌ها نمی‌چسبد! جلال در بین روشنفکران آن دوره، شخصیت خاصی داشت. خیلی بی‌محابا صحبت می‌کرد و در مخالفت و موضع‌گیری، از دیگران پیشی می‌گرفت، به همین خاطر می‌شد مرگ او را مشکوک تلقی کرد، مخصوصاً در آن شرایط خاص. آقا به ادعای مرگ طبیعی جلال، به دیده تردید نگاه می‌کرد، البته این به ایشان اختصاص نداشت، عده زیادی این طور فکر می‌کردند...».

■ ساواک: آل‌احمد «معظم‌له» را به دروغ‌گویی متهم کرده است!

از آغازین روزهای که بخش‌هایی از غرب‌زدگی نشر یافت، حساسیت‌های ساواک نسبت به آن آغاز شد. این کتاب در آغاز، در هیئت یک جزوه منتشر شد و به مرور تکمیل یافت. مروری بر گزارشات سازمان اطلاعات و امنیت وقت، نمایانگر بی‌جویی شدید آنان از این اندیشه نوآمد است. هم از این روی بود که غرب‌زدگی تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، همچنان در میان آثار ممنوعه جا خوش کرده بود و ساواک به انتشار آن رضایت نداد! سیدزهره‌احسینی، پژوهشگر تاریخ معاصر در باب رویکرد این نهاد امنیتی به غرب‌زدگی معتقد است:

«غرب‌زدگی تاریخی به درازای آشنایی ایرانیان با غرب و مظاهر آن دارد. در همان دوران این آشنایی، روشنفکران غرب‌زده‌ای چون تقی‌زاده، شعار از فرق سر تا نوک پا غربی شدن را سر دادند. با این حال اگر غرب‌زدگی روشنفکران آن دوره تحت تأثیر مقتضیات زمانه و متأثر از سفر ایرانیان به غرب بود، در دوره‌های بعدی شاهد به کارگیری سیاست‌های غربی از سوی حکومت‌ها هستیم. چنانچه پهلوی اول و شخص رضاشاه، شبه‌مدرنیزاسیون اجباری را شرط نوسازی و ترقی کشور معرفی کرد و در راستای اجرای این سیاست، به مقابله با بخش‌های سنتی جامعه پرداخت و فرزند او محمدرضاشاه نیز اهداف خود را با ملل دموکراسی غرب یکسان و این تنسایو آران‌ها را مایه افتخار خود و ملل مغرب زمین دانست. در چنین شرایطی بود که جلال آل‌احمد با نگارش کتاب غرب‌زدگی خود، ندای اعتراض به این وضعیت را سر داد. کتاب در مهرماه سال ۱۳۲۱ منتشر شد و هنوز یک ماه از انتشار آن نگذشته بود که ساواک با واکنش تند خود مانع انتشار کامل آن در سال ۱۳۴۲ گردید. چنانچه در اسناد ساواک پیرامون کتاب آمده‌است: اخیراً جلال آل‌احمد کتابی به نام غرب‌زدگی نوشته و انتشار داده است که طی آن مقامات عالیه و مسئول کشور را الت دست‌دول غربی و کمپانی‌های نفتی قلمداد و حتی در یک مورد صریح به مقام شامخ سلطنت شاهنشاهی و معظم‌له را به دروغ‌گویی متهم کرده است... همان‌طور که در اسناد ساواک هم اشاره شده است، کتاب غرب‌زدگی حاوی نکاتی پیرامون سیاست‌های دولت در خصوص مدرنیزاسیون به سبک غربی است که «

طی چند بخش به مسائل گوناگون اشاره کرده است. در یک کلام جلال آل‌احمد در کتاب غرب‌زدگی تلاش دارد با سبک نوشتاری خود، که گاه تا مرز نصیحت و آموختن پیش می‌رود، مخاطبان خود را متوجه تقلید کور کورانه از غرب و ندیدن واقعیات آن جلب کند. این تقلید که به باور جلال با سیاست‌های مدرنیزاسیون پهلوی همراه بوده است، تنها به ورود برخی از ارزش‌های متناقض با فرهنگ ایرانی – اسلامی منجر شده است که ضمن به بار آوردن ابتذال، وابستگی و عقب‌ماندگی، از باطن و برخی از واقعیات آن یعنی دموکراسی و سنت‌های بومی بوده است. به اعتقاد جلال، این موضوع ناشی از زرتجمایی غرب توسط رژیم پهلوی است که با نادیده گرفتن خودباوری و تکیه نکردن بر مردم و نیروهای داخلی، تنها موجبات وابستگی بیشتر به غرب را به همراه داشت...».

■ خودباختگی در مواجهه با فناوری و ترک خوی انسانی

اما جوهره نظر به غرب‌زدگی آل‌احمد چه بود که آن همه بحث و ترس را برانگیخت؟ به نظر می‌رسد نویسنده خودباختگی جهان سوم در برابر ماشینیسم را بستر ساز ورود فرهنگ و آداب و عادات آنان به این کشورها قلمداد می‌کند و از این بابت، نگرشی انتقادی یافته است. جلال ماشین را نماد یک جهان‌بینی می‌داند و معتقد است غرب به حیل و رندی و در پوشش آن، اندیشه خویش را به خلق‌الله تحمیل می‌کند؛ اسمیه زمانی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در ارزیابی این موضوع آورده است:

«به نظر آل‌احمد سرچشمه بسیاری از

جوان

۹

قرار بود در جلسات شورای هدف فرهنگ ایران، به سرپرستی وزارت فرهنگ در آبان و دی‌ماه ۱۳۴۰ مطرح شود، اما با توجه به محتوای جنجالی و لحن انتقادی‌اش، در دستور کار شورا قرار نگرفت. بعدتر نسخه‌های تایپی این اثر، در حلقه روشنفکران هم‌اندیش در بهار ۱۳۴۱، در کتاب‌ماه یعنی مجله‌ای ادبی که روزنامه کیهان آن را چاپ می‌کرد و پس از چندی هم توقیف‌شد، انتشار یافت. آل‌احمد تجدیدنظرهای اندکی در آن انجام داد، ولی نتوانست کتاب را آزادانه منتشر کند. نگرش انتقادی آل‌احمد در این کتاب، در چارچوب عملکرد شوم تکنولوژی نوین غرب که از آن با اصطلاح فرانسوی ماشینیسم یاد می‌کند، خلاصه می‌شود. گاهی بحث او همچون انتقاد مارکوزه از علم اثباتی می‌شود، اما سپس عامل بیرونی را Ramirez و مبهمی را وارد قضیه می‌کند که به عقیده او بخشی از یک طرح عظیم استعماری است و همه ماجراهای تاریخی را دست‌کم از دوره قرون وسطا به همین عامل مرموز نسبت می‌دهد. او در این کتاب، نقد ایدئولوژیکی سیاسی و فرهنگی قوی و محکمی از غرب عرضه کرد؛ نقدی پا دو جهت: از سویی تفوق غرب و استعمار کشورهای جهان سوم را آماج انتقاد قرار می‌دهد و از سوی دیگر فرهنگ غرب را تا مغز استخوان، بیمار می‌داند که خطر سرایتش به فرهنگ و هویت جهان سوم وجود دارد. او بیماری غرب را خودباختگی در مواجهه با فناوری و ترک خوی انسانی برمی‌شمرد. او می‌گوید شرق باید فناوری و دانش را تسخیر کند، اما به آن شکل انسانی و شخصی، یعنی شرقی بدهد. میراث او در انتقاد تند و تیزش از غرب، بعدها به گفتمان انقلاب اسلامی پیوند خورد و آل‌احمد قدر دید. اما با این حال از نظر برخی آل‌احمد گرچه از بیماری غرب گفته، اما به منشأ این بیماری، علاج و بدیل آن در چارچوب فرهنگی شرقی و ایرانی اشاره نکرده است. از این منظر، بحث آل‌احمد در فضای وهمی و مکاشفهای با لحن ناپیلیستی ختم می‌شود که به نظر می‌آید ادامه حیات هیچ بخش از نسل آدمی را در سايه فناوری امکانش‌پذیر نمی‌داند. غرب‌زدگی او شاید نمود عینی تلاش درازمدت نویسنده‌ای است که خود دغدغه هویتی دارد و می‌خواهد رابطه دو انسانی را که در وجود او نشسته است، روشن کند؛ نقطه هویتی که در آن پاره‌هایی از این دو انسان، شاید بتوانند باهم در حال آشتی باشند...».

■ غرب‌زده خودش و خانه‌اش و حرف‌هایش، بوی هیچ چیزی را نمی‌دهد!

توصیفات زنده‌یاد جلال آل‌احمد از انسان غرب‌زده، همچنان زنده و تازه می‌نماید. او معتقد است که فرایند غرب‌زدگی از اقتصاد آغاز می‌شود، سپس با فرهنگ تداوم حیات می‌دهد و نهایتاً انسان‌ها و افراد یک جامعه را مسخ می‌کند! او که به تناسب حضور مستمر در عرصه روشنفکری، از این افراد در اطراف خود فراوان می‌دید، مهم‌ترین خصلت آنان را ترس، آن هم از جنبه‌های گوناگون و از جمله سلطنت شاهنشاهی و معظم‌له را به دروغ‌گویی متهم کرده است... همان‌طور که در اسناد ساواک هم اشاره شده است، کتاب غرب‌زدگی حاوی نکاتی پیرامون سیاست‌های دولت در خصوص مدرنیزاسیون به سبک غربی است که «طی چند بخش به مسائل گوناگون اشاره کرده است. در یک کلام جلال آل‌احمد در کتاب غرب‌زدگی تلاش دارد با سبک نوشتاری خود، که گاه تا مرز نصیحت و آموختن پیش می‌رود، مخاطبان خود را متوجه تقلید کور کورانه از غرب و ندیدن واقعیات آن جلب کند. این تقلید که به باور جلال با سیاست‌های مدرنیزاسیون پهلوی همراه بوده است، تنها به ورود برخی از ارزش‌های متناقض با فرهنگ ایرانی – اسلامی منجر شده است که ضمن به بار آوردن ابتذال، وابستگی و عقب‌ماندگی، از باطن و برخی از واقعیات آن یعنی دموکراسی و سنت‌های بومی بوده است. به اعتقاد جلال، این موضوع ناشی از زرتجمایی غرب توسط رژیم پهلوی است که با نادیده گرفتن خودباوری و تکیه نکردن بر مردم و نیروهای داخلی، تنها موجبات وابستگی بیشتر به غرب را به همراه داشت...».

■ خودباختگی در مواجهه با فناوری و ترک خوی انسانی



سرخابی‌ها در گرداب ادعا و بی‌توجهی

گزارش
دنیاچندری

نتیجه هدر رفتن فرصت یک ساله برای حل ایرادهای گرفته شده AFC محرومیت استقلال است و خطری که پرسپولیس بیخ گوش خود احساس می‌کند. نه از تجربه دیگران درس گرفتند و نه از داغی که فصل گذشته AFC به دل فوتبال ایران گذاشت. پرواضح بود که کنفدراسیون فوتبال آسیا تعارفی با هیچ تیم و کشوری ندارد. پیش‌تر تیم‌هایی از عراق و عربستان نیز مشمول محرومیت از لیگ قهرمانان شده بودند و کاملاً مشخص بود دیر یا زود دست آقایان در زمینه‌سندسازی جهت اخذ مجوز حرفه‌ای برای باشگاه‌های فوتبال ایران رومی‌شود؛ اتفاقی که اگر چه بسیار تلخ بود اما انتظار می‌رفت درس عبرت شود که... نشد!

یک سال فرصت زمان خوبی بود برای حل مشکلات. AFC یک به یک مشکلات را برشمرده بود؛ مشکلاتی که برطرف کردن هر یک از آنها می‌تواند تیم‌های باشگاهی ایران را یک قدم به سمت حرفه‌ای شدن سوق دهد، اما کمافی‌السابق آقایان خیلی زود همه چیز را به دست فراموشی سپردند و کار را به دقیقه ۹۰ واگذار کردند تا دست‌آخر یک بار دیگر حسرت به دل هواداران بگذارند، شاید چون هنوز هم فوتبال ایران با تفکر نهایتاً جری‌م‌اش را می‌پردازیم اداره می‌شود؛ همان جوبلی که یک روز امیر قلع‌نویی در پاسخ به این سؤال که چرا لیست تیم را برای حضور در لیگ قهرمانان ارسال نکرده‌اند، داده بود؛ پاسخ می‌که حذف آبی پوشان از لیگ قهرمانان را به دنبال داشت!

بدهی استراماچونی برای امروز و دیروز نیست و باشگاه استقلال یک سال فرصت داشت طلب این مربی ایتالیایی را پرداخت کند؛ طلبی که اتفاقاً مدیران ناکارآمد باشگاه دو مرتبه نیز بابت پرداخت آن کاسه گدایی مقابل دولت گرفته و هر بار هم رقم قابل توجهی دریافت کرده بودند، اما باز هم از پرداخت آن در زمان مقرر سر باز زدند تا به دلیل عدم‌بارگذاری مدارک در زمان اعلام‌شده، به سادگی هر چه تمام‌تر حضور در این دوره از رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا را هم از دست بدهند؛ اتفاقی که بعید نیست به زودی برای سرخپوشان پایتخت هم رخ دهد، چرا که برخلاف نمایشی که درویش، مدیرعامل پرسپولیس به راه انداخته است، صدور مجوز حرفه‌ای تنها در گرو تسویه با طلبکاران یا گرفتن رضایت آنها جهت پرداخت قسطی نیست که آقایان چنان به خود غره شدند که تصور می‌کنند به زودی مجوز حرفه‌ای را در سینی مقابل دیدگاه آنها خواهند گرفت!

همه آنچه در طول یک سال اخیر در خصوص حل مشکلات سرخابی‌های پایتخت دیده شد، جز شو و نمایش نبود چراکه مدیران فوتبال ایران جای کار

کردن ترجیح می‌دهند سخترانی کنند. دلیلی هم ندارد غیر این باشد وقتی همواره دقیقه ۹۰ وزارت گرفته با فدراسیون و حتی دولت سبج می‌شوند برای حل‌وفصل ناکارآمدی که هیچ گونه توانایی در مدیریت و حل مشکلات ندارند اما برعکس در سنگین کردن پرونده بدهی باشگاه‌ها و ایجاد معضلات حل نشدنی توانمندی‌های غیرقابل توصیفی دارند. سال‌ها فوتبال باشگاهی ایران با همین منوال پیش رفته است. سپردن کار به دقیقه ۹۰ و دست‌آخر ملی خواندن پروژه‌های که دست‌اورد مشتی مدیر بی‌فایات و نالایق است و یا پیش گذاشتن ارگان‌های مختلف برای سندسازی و ماست‌مالی کردن فجایی که آقایان به بار آورده‌اند. هر چند سال گذشته دست آقایان در پیونده‌سازی برای صدور مجوز حرفه‌ای چنان برای کنفدراسیون فوتبال آسیا رو شد که علاوه بر محرومیت سرخابی‌های پایتخت، کمیت‌ه صدور مجوز حرفه‌ای فوتبال ایران نیز تعلیق شد، اما حتی این محرومیت هم باعث نشد مدیران ناکارآمد فوتبال ایران تکانی به خود دهند و باری از دوش باشگاه‌ها بردارند و طبق عادت، بعد از یک سال دست روی دست گذاشتن و سپردن کار به دقیقه ۹۰، در اوپسین لحظات بار دیگر به تکیا بوق افتادند که البته این بار راه به جایی نبردند و برخلاف تمام ادعاهایی که این روزها از سوی وزارت ورزش و همچنین مدیرعامل استقلال به عنوان مقصر اصلی محرومیت دوباره آبی‌پوشان پایتخت شناخته می‌شود، عدم‌بارگذاری مدارک لازم در موعد مقرر،

پرونده حضور استقلال در لیگ قهرمانان این فصل را یک بار دیگر بست!

هر چند در صورت پرداخت به‌موقع طلب استراماچونی نیز تضمینی برای صدور مجوز حرفه‌ای آبی‌پوشان نبوده، وقتی هنوز مشکلات متعددی در راستای دریافت این مجوز حل نشده باقی مانده است، به همین دلیل هم است که نمی‌توان مطمئن بود پرسپولیس که مدارکش را به موقع بارگذاری کرده است، قطعاً می‌تواند مجوز حرفه‌ای دریافت کند چرا که یکی از معیارهای اخذ



فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیا



نگاه کارشناسان **شیوانوروزی**

حرفه‌ای شدن برای عده‌ای منفعت دارد

■ **ابراهیم قاسم‌پور***

عدم حضور دو باشگاه برطرف‌دار ایرانی در لیگ قهرمانان آسیا فوتبال ایران را به حاشیه می‌کشاند. فوتبال ما اساس حرفه‌ای و منظمی ندارد و همچنین از ضعف شدید مدیریتی و مالی رنج می‌برد. این مسئله هم در باشگاه‌ها و هم در رأس مدیریت وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال وجود دارد. حل مشکلات سرخابی‌ها اگر چه به مدیران دو باشگاه مربوط است اما مسئولان ذی‌ربط می‌توانند برای برطرف شدن چالش‌های متعدد آنها به مدیران فسادار قضاوت بیابوند و از آنها بازخواست کنند. اگر پرسپولیس و استقلال باز هم از آسیا حذف شوند هم ورزش و هم مسئولان ورزش کشور زیرسؤال می‌روند چرا که مشخص می‌شود توانایی مدیریت بحران و حل مشکلات را ندارند. بحران مدیریتی بارها در رأس این دو باشگاه وجود داشته است. همین الان در خصوص عملکرد ضعیف فتح‌الله‌زاده در باشگاه استقلال بحث‌های زیادی مطرح است و این مسئله به دوران حضور مصطفی آجرلو برمی‌گردد.

زمان انتخاب درگان اسکوچیچ به عنوان سرمربی تیم‌ملی و پس از آن هم برکناری‌اش، تأکید کردم مشکل فوتبال ما مدیریتی است و نباید به دنبال مربی خارجی باشیم. در حقیقت ما به مدیر خارجی نیاز داریم تا با یک برنام‌ریزی و سازماندهی فوتبال‌مان را نجات دهد. همه چالش‌های موجود در ورزش و به ویژه فوتبال فقط و فقط ریشه در سوءمدیریت‌ها دارد. کارشناسان، پیشکسوتان و دلسوزان فوتبال راهکار ارائه می‌دهند ولی به جایی نمی‌رسد چرا که همه چیز به ضعف مدیران برمی‌گردد، البته به جهت منابع مالی نیز وجود دارد، منتها در همین بحث طلب استراماچونی که باعث حذف استقلال شده گفته می‌شود دو بار بودجه لازم تأمین شده است. این سطح از حیف‌ومیل پول بیت‌المال،

فساد گسترده و ناکارآمدی فاکتورهایی هستند که وضع فوتبال را به اینجا کشانده است، حتی مشکلات اقتصادی مملکت نیز به ناکارآمدی مدیران برمی‌گردد و ورزش نیز به شدت اسیر همین چالش است. مدیرعامل پرسپولیس از رفع موانع کسب مجوز حرفه‌ای صحبت کرده است. امیدواریم واقعاً همین‌طور باشد چرا که گوش همه ما از این حرف‌ها پر است. سال گذشته نیز همین ادعاها مطرح شد ولی در نهایت سرخابی‌ها هر دو از آسیا کنار گذاشته شدند. بارها اعلام شده در این رشته فلا‌ن مبلغ پول حیف‌ومیل شده است، ابتدا سرودصای زیادی به پا می‌شود و همه قول رسیدگی جدی می‌دهند ولی در آخر هیچ نتیجه‌ای ندارد. متأسفانه هیچ بر خوردی با مقصران و مسببان سند تحول بود. به صورت کلامی صحبت‌هایی مطرح شود اما در اصل مقصر اصلی قسر در می‌رود. ضعف شفاف‌سازی و حضور مدیران نالایق بر سر مسئولیت‌های مهم، فوتبال ایران را به ورطه نابودی کشانده است. نمی‌دانم چرا ناخواهیم واقعاً حرفه‌ای شویم! حتماً ادامه روند موجود برای عده‌ای منفعت دارد. مطمئناً اگر فوتبال ما حرفه‌ای شود، ابزارها و فاکتورهایی برای کنترل عملکرد مدیران، مربیان و مسائل مالی در نظر گرفته خواهد شد که بدون شک راه‌فرار را به روی سودجویان این رشته خواهد بست. اگر کمیت‌ه یا هیئت نظارتی در بحث پرداخت طلب استراماچونی وجود داشت، الان کار به اینجا نمی‌کشید و نمی‌گفتند دو بار پول پرداخت شده ولی به دست شاک‌ی خارجی نرسیده است. با این شرایط نه امسال و نه سال‌های آتی نمی‌توان امید به کسب مجوز حرفه‌ای داشت. تا زمانی که مدیریت قوی، برنام‌ریزی و راهکارهای لازم نداشته باشیم، فوتبال همین‌گونه خواهد بود.

✽ **پیشکسوت فوتبال**

بحران خودشیفتگی مدیران

■ **کاظم اولیایی***

برای حل مشکل مالکیت مشترک سرخابی‌ها، دولت کار کارشناسی انجام داد و یکی از ایت‌م‌های خصوصی‌سازی در دستور کار قرار گرفت. این مسئله در سند تحول دولت مردمی برای اجرا ابلاغ شد، اما متأسفانه سازمان خصوصی‌سازی پس از این ابلاغ و دریافت دستورالعمل فوق، مسیری را در پیش گرفت که علناً ثابت کرد این دو باشگاه دولتی هستند. در واقع عملکرد این سازمان به ضرر سرخابی‌ها تمام شد. کار را بدتر کردند. وقتی تنها ۱۰ درصد سهام دو باشگاه در فرابورس عرضه می‌شود، یعنی مشکل مالکیتی دارند. علاوه بر این رفتار سازمان خصوصی‌سازی خلاف دستورالعمل سند تحول بود. واگذاری ۱۰ درصد سهام درست عکس تفکری بود که تلاش می‌کرد مشکل سرخابی‌ها را حل کند. سند تحول یک راهبرداشت و از ط‌سرف رئیس‌جمهور ابلاغ شده است. یکی از لطامتی که هر نام‌ریزی و راهکارهای لازم نداشته باشیم، فوتبال عدم‌حضور هر یک از آنها حتی به ضرر قاره خواهد بود. علاوه بر این حضور استقلال و پرسپولیس در لیگ

قهرمانان برای ما در آمد‌زاست. با حذف از این رقابت‌ها از نظر مالی، فوتبالی و اعتباری ضرر می‌کنیم. این حذف آسیب‌زاست. این موضوع از نظر روحی کل تیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بازیکنان برجسته شاید برای فصل بعدی در تصمیم‌شان تجدینظر کنند. فوتبال ابزاری بین‌المللی است و کشور کوچکی چون قطر با هزینه هنگفت و تلاش‌های چندین ساله از آن به خوبی استفاده می‌کند. هواداران هم بسیار ناراحت می‌شوند و ضرر اقتصادی نیز روی دوش باشگاه‌ها می‌گازد. سال گذشته نیز مدیران عامل باشگاه‌ها اظهارنظرهایی غیرعوق مطرح کردند و در نهایت نیز سرخابی‌ها مجوز حرفه‌ای نگرفتند. شاید درویش، مدیرعامل پرسپولیس مشکلات موجود را حل کرده باشد ولی ما هنوز مشکل مالکیت مشترک در مدارک را رویت نکرده‌ایم. حل مشکل مالکیت مشترک در حیطه مدیران و هیئت‌مدیر باشگاه‌ها نیست. برخورد با مدیریت دو تیم توسط یک تشکیلات از جمله سیاست‌های جدی فیفاست که قابل قبول هم



است چرا که مالکیت مشترک بحث‌هایی نظیر زد و بند و تبنای را مطرح می‌کند. فیفا روی این مسئله بسیار حساس است. نمی‌توانیم پیشداوری کنیم، شاید کارهایی انجام شده که ما خبر نداریم. برای حل مشکل ورزشگاه آزادی راهکارهایی وجود دارد. سرخابی‌ها مجبور نیستند حتماً در آزادی بازی کنند و به دوستان هم توصیه کردیم بسیاری ورزشگاه‌های موجود را انتخاب کنند. ورزشگاه‌های استاندارد دیگر هم داریم که بتوانیم از آنها به عنوان رزرو استفاده کرد. بعد از بازدید از ورزشگاه اول، اگر نواقعی وجود داشته باشد، می‌توانند ورزشگاه دوم را معرفی کنند.

✽ **مدیر فوتبال**

یکی از معیارهای اخذ مجوز باشگاهی از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا، دارا بودن ورزشگاه استاندارد است اما ورزشگاه آزادی که هر دو تیم پرسپولیس و استقلال از آن به عنوان ورزشگاه آزادی که هر دو تیم پرسپولیس و استقلال از آن به عنوان ورزشگاه خود در بازی‌هایی که میزبان هستند استفاده می‌کنند، نقص‌های زیادی دارد که نمی‌توان روی آن حساب کرد

از AFC، تا ۳۰ فروردین‌ماه است و عدم‌بارگذاری مدارک لازم تا این تاریخ، به معنای حذف از لیگ قهرمانان آسیاست.

پیش‌تر کنفدراسیون فوتبال آسیا ۱۷ ایراد از پرسپولیس و ۱۵ ایراد از استقلال گرفته بود؛ ایرادهایی که از ساختار حرفه‌ای تا بدهی‌ها و مشکلات مالی و همچنین روشن نبودن صورت‌های مالی و مالکیت مشترک دو باشگاه را شامل می‌شد، البته در بین ایرادهای گرفته‌شده که برای پرسپولیس در ۲۳ و برای استقلال در ۴۹۰ صفحه لیست شده بود، متأسفانه موارد جزئی‌تری نیز دیده می‌شد که نشان از بی‌توجهی محرز این دو باشگاه داشت؛ نمونه‌هایی که شامل فرم‌ها و لیست‌های بازی‌های حرفه‌ای و فرم آموزش کادرفنی تیم می‌شد که برخی را فدراسیون به دست سرخابی‌ها نرسانده بود و بسیاری را هم خود این باشگاه‌ها پشت گوش انداخته و پر نکرده بودند و همین مسئله نشان می‌داد کسب مجوز حرفه‌ای برای پرسپولیس و استقلال که عادت کرده بودند کارهای‌شان را دقیقه ۹۰ دولت سر و سامان دهد تا چه اندازه برای انجام کارهای ابتدایی ناتوان وی‌توجه هستند؛ بی‌توجهی‌ای که همچنان هم ادامه دارد که اگر نداشت، استقلال امروز در همان مرحله نخست حذف نمی‌شد؛ سرنوشته تلخی که پرسپولیس هم البته هنوز نمی‌تواند مطمئن باشد که طی روزهای آینده گریبان‌ش را نخواهد گرفت چرا که هیچ یک از این دو باشگاه هرگز مدیری کارآمد به خود ندیده‌اند و همواره مدیریت آنها را افرادی به عهده داشته‌اند که ناتوانایی‌های خود را در مدیریت با شو و نمایش پنهان کرده‌اند و دست‌آخر هم با مقصر جلوه دادن زمین و زمان سعی در فرار از مسئولیت داشته‌اند، هر چند دیگر آنها رنگی ندارد و کمتر کسی است که نداند مقصر اصلی این داستان‌ها بعد از آقایانی که مدیریت این دو باشگاه برطرف‌دار را به دست این افراد بی‌کفایت سپرده‌اند، خود مدیرانی هستند که در ظاهر سنگ هوادار را به سینه می‌زنند اما در واقعیت متهم ردیف اول هستند.

فقط شماره پیراهن‌ها عوض شده!

■ **فریدون حسن**

وقتی حرف از حرفه‌ای شدن فوتبال آن هم در رده باشگاهی به میان می‌آید، ناخودآگاه ذهن‌مان پرت می‌شود به دو دهه قبل و دوره‌ای که اعلام شد لیگ فوتبال ایران حرفه‌ای شده است. یاد حرف‌های مرحوم ناصر حجازی می‌افتیم که همان زمان با همان صراحت لهجه عنوان کرد که فوتبال ما حرفه‌ای نشده فقط شماره پیراهن بازیکنان از فارسی به انگلیسی تغییر کرده است.

دو دهه از آن روزها می‌گذرد؛ از آن روزهایی که همه به ناصر حجازی خرده گرفتند که فقط انتقاد کردن را بلدی اما امروز برای تمام علاقه‌مندان به فوتبال ثابت شده است حرف‌های مربی فقید فوتبال ایران درست بود. ما فقط به لحاظ حیف و میل بیت‌المال و برخی تغییرات ظاهری حرفه‌ای شده‌ایم و بعد از این همه سال هنوز بدهی‌تری فاکتورهای حرفه‌ای بودن را دارا نیستیم.

روی همین اصل است که هر سال وقتی موعد بارگذاری مدارک باشگاه‌ها برای اثبات حرفه‌ای بودن‌شان در سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا به منظور شرکت در لیگ قهرمانان می‌شود، همه می‌بینند که این مدعیان حرفه‌ای بودن چه مشکلاتی دارند و چگونه سعی می‌کنند با سندسازی و جعل و دروغ خود را حرفه‌ای جلوه دهند. چند سالی این روش زشت جواب داد و باشگاه‌های دهکاکر و آماتور ایران در لیگ قهرمانان شرکت کردند (که البته اگر شرکت نمی‌کردند بهتر بود) اما حالا اسرافت‌ه‌رفته خود را به سطح اول فوتبال جهان نزدیک کرده و دیگر نمی‌تواند چنین رفتارهایی را تحمل کند.

حالا فوتبال ایران و باشگاه‌های همیشه دهکاکر و مشکل‌دار آن اگر می‌خواهند جایگاهی در فوتبال قاره کهن داشته باشند، باید واقعاً راه حرفه‌ای شدن را در پیش بگیرند. طبیعی است اولین گام در این سخت خصوصی‌شدن است، یعنی قطع بیت‌المال‌خوری که بدون تردید مدیران نالایق فوتبال ایران هیچ گاه بدون برداشت از بیت‌المال نمی‌توانند مدیریت کنند. دومین گام هم داشتن ورزشگاه استاندارد است با شاخصه‌هایی که کنفدراسیون آسیا و فیفا آن را تعریف می‌کنند. پرواضح است که در این مورد هم کوچک‌ترین پیشرفتی نداشته‌ایم.

یکی دیگر از الزمات حرفه‌ای بودن نداشتن بدهی و پرونده شکایت در مجامع بین‌المللی ورزش است. خوب در این مورد که باشگاه‌های ایران گوی سبقت را از تمام باشگاه‌های دنیا ربوده‌اند در اصل حرفی برای آنها نمی‌توان متصور بود، پس طبیعی است که خیلی راحت از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا و فیفا با محرومیت روبه‌رو شوند.

در این میسان درآورترین بخش ماجرا آنجاست که فوتبال ایران با وجود این معضلات و مشکلات دیگر و حضور مدیران نالایق و ناکارآمد در رأس فدراسیون و باشگاه‌ها و هیئت‌ها همچنان در رؤیای حرفه‌ای بودن به سر می‌برد و خود را از بزرگان قاره کهن تصور می‌کند، اما واقعیت هنوز همانی است که مرحوم حجازی دو دهه قبل گفت، فقط شماره پیراهن‌ها عوض شده و دیگر هیچ.

فوتبال را با حرف زدن اداره می‌کنند!

عملکردش شوند؟ تازه بعد از این همه سال فتح‌الله‌زاده می‌گوید من می‌روم تا یک نفر خودی را بر سرکار بیابوریدار تلویزیون صراحتاً حرف از تخلف و فساد در فوتبال زده می‌شود و حتی پول‌های یادآورده که عمدا یا سهواً از بین می‌رود. بعد از کلی سین جین شدن، هیئت مدیره همان فرد را در سمنش ابقا می‌کند. از آنجا که قوانین و مقررات قانونی و حرفه‌ای در این رشته رعایت نمی‌شود، به جایی نمی‌رسد. فلا‌ن مدیر را بعد از شش ماه برکنار می‌کنند، همه هم دم از خدمت می‌زنند و مدعی اند ایراد از مدیران قبلی است. متأسفانه به فوتبال ظلم می‌شود و این مسائل باعث شده است فوتبال‌مان هر روز در گیر حذف، جریمه و شکایت باشد. حرف زدن آسان است و فوتبال ما را با همین حرف‌ها و وعده‌ها اداره می‌کنند. همه باشگاه‌های معتبر جهان طبق یک قانون و چارچوب مشخص اداره می‌شوند، در حالی که در باشگاه بزرگ ایران به رغم هزینه‌های چندین میلیاردی در هر فصل هنوز ورزشگاه اختصاصی ندارند! فقط شعار می‌دهند و مصاحبه می‌کنند. در صورتی که از روابط استفاده کنند، شاید بتوانند این مشکلات را به نوعی ماست‌مالی کنند ولی در غیر این صورت باز هم نمی‌توانیم مجوز حرفه‌ای بگیریم. تیم‌های آسیایی هم حرفه‌ای شده و طبق اصول حرکت می‌کنند اما ما همچنان دنبال این هستیم که با مدارک جعلی کاریمان راه بیفتد. تلاش‌مان کلاه گذاشتن سر فیفا و اف‌اسی است نه اینکه بباییم کار حرفه‌ای انجام دهیم؛ با رعایت قوانین و مقررات واقعاً به سمت حرفه‌ای‌گری پیش برویم. با این وضعیت در این فصل هم اصلاً نباید منتظر گرفتن مجوز حرفه‌ای باشیم.

✽ **کارشناس فوتبال**

■ **رسول کربکندی***
به‌هم‌ریختگی در فوتبال کشورمان بیداد می‌کند و شرایط به گونه‌ای است که مدیران باشگاه‌ها فقط مشغول گذران امور یومیه خود هستند و اصلاً نمی‌توانند به مسائل دیگر بپردازند. مشکلات اقتصادی و مدیریتی باعث می‌شود آنها مسائل بسیار مهم را به حال خود رها می‌کنند، در حالی که این مسائل بسیار مورد تأکید کنفدراسیون آسیا هستند، در نتیجه حذف از لیگ قهرمانان رقم می‌خورد. استقلال و پرسپولیس دو تیم برهوادار ایران در قاره کهن هستند اما همچنان به صورت مشترک از ورزشگاه آزادی استفاده می‌کنند. از طرفی بدهی‌های زیاد به ورزشگاه آزادی دارند و مدیران این مجموعه نیز مشکلات موجود را برطرف نمی‌کنند. این به‌هم‌ریختگی به شدت زیاد شده و تیم‌ها به روزمرگی افتاده‌اند، فلا‌ن بازیکن را بیابورند، فلا‌ن مربی را به خدمت بگیرند و طلبکاران را راضی کنند، از این‌رو کارهای اساسی به دست فراموشی سپرده شده‌اند. برای وضعیت سرخابی‌ها باید راهکار جدی و اساسی پیدا شود. برای وارد کردن VAR به کشور ماه‌هاست می‌گویند ابتدای فصل، نیم‌فصل و انتهای فصل، ولی هیچ کدام از این وعده‌ها اجرایی نمی‌شود. معتمد عده‌ای در به سرانجام نرسیدن این وعده دست دارند. بحث نگرفتن مجوز حرفه‌ای نیز مثل بحث کمک‌داور ویدئویی است. فوتبال پرزه‌پنه‌ای داریم که چارچوب‌های حرفه‌ای در آن اجرا نمی‌شود. هر سال هم از آسیا حذف می‌شویم و با اعصاب و روان میلیون‌ها هوادار بازی می‌کنند. هر سوءمدیریتی رخ می‌دهد، به هیچ کس پاسخگو نیستند. برای اینکه در انتخاب مدیران روابط حاکم است، مگر فتح‌الله‌زاده چندبار باید درمعامل استقلال شود تا همه متوجه



انتخاب مدیران روابط حاکم است، مگر فتح‌الله‌زاده چندبار باید درمعامل استقلال شود تا همه متوجه



یزد و فرسنگ‌ها فاصله با شهر جهانی

حدود شش سالی است که از جهانی شدن بافت تاریخی یزد می‌گذرد، اما نه تنها به اندازه این زمان تغییر و پیشرفت نداشته، بلکه اندر خم تبدیل‌شدن به یک شهر مسافری‌پذیر باقیمانده است. هم اکنون زیرساخت‌های گردشگری یزد پاسخگوی مسافران داخلی هم نیست، چه برسد به توربست‌های خارجی. به همین خاطر سرما یه‌گذاران ترجیح می‌دهند در جایی سرما یه‌گذاری کنند که بازگشت آن تضمین شده باشد.

■ ■ ■

هجدهم تیرماه ۱۳۹۶ بود که ۱۱۰ هکتار از بافت تاریخی یزد در پونسکو ثبت جهانی شد و این اتفاق بزرگ‌ترین شهر خشتی جهان را در معرض جهانی شگریمگر در حوزه گردشگری قرار داد.

از همان زمان برنامه‌های بسیاری برای رسید به توربست‌های دیده شد، اما نقض زیرساخت‌هایخش عمده‌ای از این برنامه‌ها را متوقف کرد.

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که پس از ثبت جهانی بافت تاریخی در یزد اتفاق افتاد، توسعه بومگردی‌ها بود و گمان می‌رفت این خانه‌ها می‌توانند کمبود تخت‌های اقامتی یزد را پر کنند، اما واقعیت این است که این واحدها برای گذران چند ساعتی در این روز مناسب بودند و برای اقامت شبانه مورد استقبال گردشگران اعم از داخلی و خارجی قرار نگرفتند.

■ **دور باطل بومگردها**

انگار مسئولان برای جهانی کردن یزد هیچ برنامه‌ای ندارند و بیشترین کاری که تاکنون به وقوع پیوسته، تبدیل خانه‌های بافت به کافه، رستوران و سفرخانه و در بهترین حالت ممکن بومگردی است. گرچه ایجاد آنها به جذابیت بافت تاریخی افزود، اما نتوانست نقایض زیرساختی این صنعت در یزد جهانی را بپوشاند.

کسانی که یزد پرفتادند، خوب می‌دانند مهم‌ترین چالش صنعت گردشگری این منطقه در حال حاضر، کمبود تخت‌های اقامتی است، گرچه در طول چند سال گذشته به یا چهار هتل در یزد افتتاح شده، اما هنوز هم تارسیدن به استاندارد،فاصله بسیاری وجود دارد.

مسئولان میراث فرهنگی یزد در گذشته از بومگردی‌ها به عنوان کمک‌کار هتل‌ها یاد می‌کردند، اما واقعیت این است که بومگردها تعریف ویژه خود را دارند و تاکنون هم نتوانسته‌اند کار چشمگیری در زمینه اقامت شبانه انجام دهند.

به گفته مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری یزد،بومگردها تعریف متفاوتی از هتل ومهم‌ل‌پذیر دارند.بومگردی فضایی سنتی است که گردشگری می‌تواند در کنار صابخانه چند روزی را به طور موقت زندگی و از غذای که او می‌خورد استفاده کند و از سبک زندگی او را در این چند روز دنبال کند.

احمد اخوندی می‌گوید: «از آنجا که از ابتدا تعریف درستی از بومگردی در کشور و استان یزد ارائه نشد، از بومگردی‌ها به عنوان واحدهای اقامتی ناقص یاد شده و کارکرد این واحدهاکنون اقامت چند ساعته خانوادها و استفاده از فضای سنتی آنهاست».

■ **محل‌ها نیمه‌کاره می‌مانند**

در حال حاضر در بیشتر مناطق کشور در ایامی همانند تعطیلات نوروز از مدارس، حسینییه‌ها و حتی پارک‌ها برای اقامت مهمانان و گردشگران استفاده می‌شود و در شهری مثل یزد در دیگر ایام سال این امکان فراهم نیست و در صورت مراجعه گردشگران، با کمبود مواجه است.

در همین راستامدیر کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری یزدیکی از نیازهای سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری این استان را ساخت هتل عنوان کرده می‌گوید: «گرچه سرمایه‌گذاری در این حوزه ورود کرده‌اند و چند هتل نیز احداث شده، اما استقبال برای سرمایه‌گذاری در این بخش آنگونه که باید و شاید نبوده‌است».

اغلب هتل‌هایی که در سال‌های اخیر در یزد احداث شده‌د، از سوی سرمایه‌گذاران خارجی که به سبانه سرمایه‌گذاری در چند هتل دیگر را نیز دارند که البته برخی از آنها نیز در نیمه‌ار کار را رها کرده‌اند. یکی از هتلداران یزد با بیان اینکه در حال حاضر ریسک سرمایه‌گذاری برای ساخت هتل در یزد بالاست، زیر استقبال گردشگران مقطعی است به و خواب سرمایه در این بخش بالاست، می‌گوید: «برخی هتلداران فعلی به هوای اینکه یزد شهر جهانی شده و حضور گردشگران خارجی می‌تواند برای سرمایه‌گذاری آنها توجیه مناسبی باشد، به این بخش ورود کردند، اما ضربه اول توسط کرونا و ضربه بعدی به واسطه عدم حضور گردشگران خارجی در یزد به این صنعت وارد شد».

گزارش‌ها نشان می‌دهد، برخی سرمایه‌گذاران در ابتدای راه ساخت هتل را رها و سرمایه خود را از این بخش خارج کردند.

مسئولان، دلایل و بهانه‌های مختلفی را برای عدم حضور گردشگران به ویژه گردشگران خارجی که می‌توانند برای صنعت گردشگری یزد آزاری نداشته باشند، مطرح می‌کنند. یکی کروناد دیگری اغتشاشات ماه‌های اخیر و عدای هم‌تحریم‌ها را عامل عدم استقبال گردشگران خارجی مطرح می‌کنند.

واقعیت این است که یزد در درجایم جهانی آنگونه که باید معرفی نشده‌و این ضعف بزرگی است که یزد از زیادی در آن نقش دارند، از فعالان گردشگری و وزارتخانه مربوطه گرفته تا وزارت امور خارجه.

نیود هتل و نیود گردشگر به چرخ‌های تبدیل شده که بر محور گردشگری یزد دور باطل می‌زند؛ گردشگری نسبت، بنابر این ساخت هتل توجیه اقتصادی ندارد، در نهایت مناسب و تخت کافی نیست، بنابراین تورهای گردشگری، یزد را به عنوان مقصد اقامت خود انتخاب نمی‌کند.

علاوه بر این، یزد از کمبودهای دیگری نیز رنج می‌یر. د تاچندی پیش مشکل حمل و نقل و نیود خطوط پروازی مناسب یکی از مشکلات زیرساختی در صنعت گردشگری یزد بود و در بهمن سال گذشته، شرکت هواپیمایی ویژه یزد راه‌اندازی شد، اما ظاهرآل این امر نیز نتوانست حداقل در کوتانمدت، کمکی به توسعه گردشگری یزد کند، زیرا آمار گردشگران نوروزی یزد حتی به ۶۰۰ هزار نفر نیز نرسید.

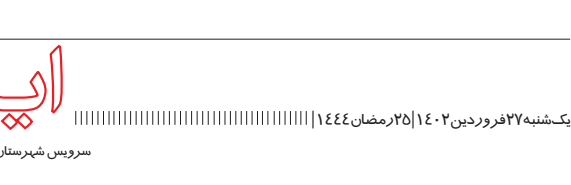
■ **حمایت از سرمایه‌گذار در حرف**

یکی دیگر از چالش‌های گردشگری یزد، نیود تقریبگاه یا تفرجگاه مناسب است و این امر سبب شده که همه راه‌های گردشگری یزد تقریباً به بافت تاریخی خشود و گردشگرانی که به یزد سفر می‌کنند، بعد از یافت تاریخی تقریباً دیگر مکانی را برای سیر و گشت نمی‌شناسند.

سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در این زمینه نیز تاکنون به نتیجه مناسبی نرسیده است، به عنوان نمونه چند سال پیش در بالادست روستای «منشاد»، یک مجموعه بزرگ تفریحی در حال احداث بود، اما خبری از به پایان رسیدن آن در دست نیست و گویا سرمایه‌گذار کار خود را نیمه‌کاره رها کرده‌است.

همه اینها در شرایطی رقم می‌خورد که استاندارد یزد می‌گوید، بارها اعلام کرده‌ایم زیر پای سرمایه‌گذاران بخش گردشگری یزد قرمز پهن می‌کنیم و با تمام توان آماده حل مشکلات این بخش هستیم.

مهران فاطمی تأکید می‌کند: «به عنوان استاندار و رئیس شورای حل اختلاف دستگاه‌های دولتی استان یزد، مشکلات بین دستگاهی که برای سرمایه‌گذاران ایجاد مشکل کرده‌است، را رفع خواهیم کرد.»



یک‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ | ۲۵ رمضان ۱۴۴۴

سرویس شهرستان ۸۸۴۹۸۴۱

۵۸ پایگاه قرآنی در مساجد آذربایجان غربی راه‌اندازی شد

طرح «هر مسجد یک پایگاه قرآنی»، با راه‌اندازی ۵۸ پایگاه قرآنی در مساجد استان آذربایجان غربی راه‌اندازی شد. محسن رضایی، مدیر ستاد هماهنگی کانون‌های مساجد آذربایجان غربی با اشاره به اجرای طرح «هر مسجد یک پایگاه قرآنی»، در مساجد استان گفت: علاوه بر فعال بودن هر مسجد، یکی از کارهای مهم دیگر شکل گرفتن شبکه مساجد محلات و همکاری و تعامل آنها با یکدیگر است، ارتباطی که به ترویج فرهنگ قرآنی کمک می‌کند.
باین نگاه و با توجه به منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص قرار گرفتن مساجد به عنوان پایگاه قرآنی، یکی از برنامه‌های شاخص این ستاد در استان است. وی با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری در زمینه تبدیل مساجد به پایگاه قرآنی افزود: راه‌اندازی ۵۸ پایگاه قرآنی در کانون‌های مساجد استان در دست اقدام است که از مهم‌ترین اهداف این طرح، تحقق منویات رهبر معظم انقلاب در خصوص ترویج فعالیت‌های قرآنی، قرار گرفتن تلاوت در خدمت تأثیرگذاری بر مستمع انس باقرآن کریم، به عنوان مقدمه‌ای برای تخلق وعمل به قرآن، ترویج معارف قرآنی و حرکت به سمت فهم قرآن، ترویج سبک زندگی قرآنی و عمل به دستورات قرآن، هم‌افزایی ظرفیت‌های قرآنی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد است. این مسئول ادامه داد: به منظور شناسایی کانون‌های برتر این طرح، عملکرد کانون‌ها و گزارش‌های ثبت شده در سامانه بچه‌های مسجد مورد رصد و ارزیابی قرار گرفته و کانون‌هایی که عملکرد بهتری (کمی و کیفی) داشته باشند به عنوان کانون‌های برتر معرفی خواهند شد. رضایی گفت: از وظایف مهم کانون‌های فرهنگی هنری مساجد استان در راستای اجرای این طرح، هماهنگی با امام جماعت مسجد و هیئت‌امدا، ارتباط با کانون‌های همجوار جهت اجرای برنامه‌های مشترک و به اشتراک گذاشتن ظرفیت‌ها، برنامه‌ریزی و اطلاع‌رسانی منظم و مؤثر جهت حضور عموم مردم، جذب منابع مردمی جهت اجرای برنامه‌ها، مستندسازی و ثبت گزارش فعالیت‌ها در سامانه بچه‌های مسجد است. وی با بیان اینکه در حال حاضر بیش از هزار و ۳۴۰ کانون فرهنگی هنری در مساجد استان آذربایجان غربی فعال است، افزود: با توجه به استقبالی که از این مراکز فرهنگی در مساجد استان آذربایجان غربی فعال است، به عمل آمده است، انتظاری رود در سال‌های آینده شاهد فعالیت بیشتر این مراکز فرهنگی در استان باشیم.

قطعه اول آزادراه بوشهر – شیراز ساخته می‌شود

ساخت قطعه اول آزاد راه بوشهر– شیراز در قالب مصوبیات دور دوم سفر رئیس‌جمهور به استان بوشهر به زودی آغاز می‌شود.
احمد محمدی‌زاده، استاندار بوشهر با اشاره به اختصاص ۱۰۰۰ میلیارد تومان برای قطعه اول آزادراه بوشهر– شیراز در قالب مصوبیات دور دوم سفر رئیس‌جمهور به استان گفت: در این راستا ۹هزار میلیارد تومان مصوب شد که هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان آن از محل اعتبارات وزارت تأمین می‌شود و مابقی سازمان برنامه و بودجه پرداخت می‌کند. وی با تأکید بر توجه ویژه به پرداخت مطالبات پیمانکاران طرح‌های مختلف عمرانی و زیربنایی استان افزود: مطالبات پیمانکاران طرح‌های مختلف تسویه و میزان بدهی دستگاه‌های اجرایی استان به پیمانکاران و مجریان طرح‌ها پرداخت شود. نماینده دولت در استان با بیان اینکه این اعتبارات برای اجرای چند پروژه مهم‌تر کمر شده‌است، خاطر نشان کرد: برای جاده ساحلی بوشهر به دیر هزار میلیارد تومان، جاده ساحلی بوشهر به گنوه ۸۰۰ میلیارد تومان مصوب شده‌است. محمدی‌زاده ادامه داد: برای اجرای شدن خروجی دوم بوشهر، ۵۰۰میلیارد تومان سازمان انرژی اتمی و ۵۰۰میلیارد تومان سازمان برنامه و بودجه پرداخت می‌کند.

۱۲ لرستان

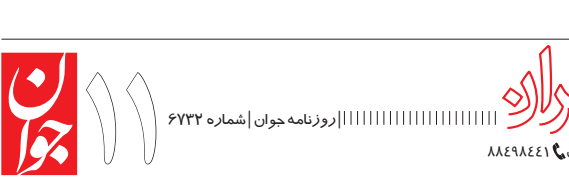
افتتاح ۱۷ طرح درمانی در لرستان

با هدف رفع مشکلات درمانی ۱۷ طرح بهداشتی و درمانی در استان لرستان به بهره‌برداری رسید. دکتر علی‌فرهادی، معاون توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی لرستان با بیان اینکه ۱۷ طرح بهداشتی و درمانی با ۶۶۱ میلیارد ریال اعتبار در این استان به بهره‌برداری رسید، گفت: این طرح‌ها در مساحت ۱۰ هزار و ۸۴ متر مربع ساخته شده‌است. وی افزود: همچنین پاراسال اجرای ۱۰۶ طرح بهداشتی با اعتبار ۲۰۰میلیارد تومان نهایی شده که سهم وزارت ۵۰درصد و مابقی اعتبارات استانی و اختصاصی است. این مسئول ادامه داد: در حوزه ورود تجهیزات پزشکی به استان بیش از ۹۰ میلیارد تومان با ارز دولتی وارد شده‌است که مهم‌ترین سی‌تی‌اسکن، رادبولوژی، و بیش از ۴۰۰ قلم تجهیزات مختلف وارد استان شده که بیشتر رایگان یا با ارز دولتی بوده‌است.

با هدف پی‌نمایی امداد به کمک‌های مالی این نهاد بیش از ۹هزار شغل در استان کرمانشاه ایجاد شد. پیمان ترکمانه، مدیر کل کمیته امداد کرمانشاه با بیان اینکه بیش از ۹۰۰ میلیارد تومان تسهیلات برای اشتغال‌زایی به مددجویان پرداخت شده‌است، افزود: با وجود اینکه در سال گذشته نسبت به ایجاد ۷هزار ۵۰۰ فرصت شغلی متعهد شدیم، اما با تلاش‌های انجام شده ۹هزار و ۲۰۳ فرصت شغلی در استان ایجاد شد که هم‌اکنون در سامانه، صد برای به کارگیری به عنوان نیروی شغلی عضویت دارند. وی با اشاره به میزان مشارکت و همکاری خیرین در سال گذشته ادامه داد: با مشارکت ۷۳ هزار و ۲۴۰ نفر در برنامه‌های کمیته امداد کرمانشاه کمک‌های خوبی به تأمین و کمک‌بخشی از نیازمندی‌های افراد مستمند در سال گذشته انجام گرفت.

رفع تصرف ۲۶ هکتار از اراضی ملی در کردستان

۲۶ هکتار از اراضی ملی و منابع طبیعی استان کردستان در تعطیلات نوروزی امسال رفع تصرف شد. حجت الاسلام والمسلمین حسینی، رئیس کل دادگستری کردستان با بیان اینکه از تاریخ ۲۸ اسفند ۴۰۱ لغایت ۷ فروردین ۱۴۰۲، در تمام شهرستان‌های استان، با متصرفان اراضی ملی برخورد قاطع صورت گرفت، گفت: بیش از ۲۶ هکتار از این اراضی به بیت‌العمال بازگشت و در این راستا یکی از دلالت‌های مشهور و سابقه‌دار ساخت و سازهای غیرمجاز در سنجند بازداشت شد. وی تصریح کرد: در همین مدت و در حوزه اقدامات صیانتی و پیشگیرانه توسط دستگاه‌های متولی در این حوزه مجموعاً ۹۴ مورد شناسایی و ۲۵ مورد توقف عملیات، ۶مورد گشت روزه در کل استان صورت گرفت و در حوزه اقدامات برخوردی ۱۹ فقره شامل سه فقره قلع و قمع، ۱۲ فقره خلع بد و چهار فقره رفع تصرف صورت گرفته است.



یک‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ | ۲۵ رمضان ۱۴۴۴

سرویس شهرستان ۸۸۴۹۸۴۱

رفع تشش آبی مازندران به همت قرارگاه امام حسن مجتبی (ع)

طرح آبرسانی به ۱۲۸ روستای مازندران که به همت قرارگاه امام حسن مجتبی(ع) سیاه‌ای استان از آواخر سال گذشته آغاز شده با سرعت در حال انجام است. بهزاد برارزاده، مدیرعامل آبشای مازندران با بیان اینکه سال گذشته به رویکرد و درگاه جدید از محل اعتبارات ملی به دنبال رفع تشش‌های آبی استان رفتیم، گفت: با اعتبارات استانی نمی‌توان تشش‌های حاکم بر ۲۰ شهر و ۲۱۳ روستای استان را حل کرد، به همین دلیل به دنبال اعتبارات ملی از محل تشش آبی کشور از بند یک تبصره یک، نهایتاً نفت و از محل تبصره ۱۴ برای شهرهای ساحلی و همچنین امام حسن مجتبی (ع) برای ۶۰۰ روستای دیگر درخواست دادیم که نیازمند هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار است. مدیرعامل آبشای مازندران به نشست خود و استاندار مازندران با سرمدار آبرومند و باذری قرارگاه امام حسن مجتبی (ع) اشاره کرد و افزود: به دلیل تعریف جدید تشش‌های آبی استان و پروژه‌های زیادی در مازندران در دست اجرا داریم، این مسئول با بیان اینکه در گذشته از محل تشش آبی ۵ تا ۳ میلیارد تومان تخصیص

آغاز فعالیت ۱۵ گروه همیار با هدف ایجاد سلامت روان در قزوین

با هدف ارتقای سلامت روان ۱۵ گروه همیار در سطح محلات کپهرخوردار استان قزوین فعالیت خود را آغاز کردند. دکتر علی دهیانی، پورمردکل بهزستی قزوین با بیان اینکه همیاران سلامت روان تحت نظارت این اداره کل استان با هدف کاهش آسیب‌های روانی در سطح جامعه در حال خدمت هستند، گفت: ۱۵ گروه همیار سلامت روان با رویکرد ارتقای سلامت روان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در سطح محلات کپهرخوردار فعالیت می‌کنند. وی افزود: پایگاه سلامت اجتماعی مکانی است که توسط همیاران سلامت روان با سایر سازمان‌های مردم‌نهاد یا مجوز سازمان برنامه و تأسیس و با هدف آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی، آموزش به مردم محلی و گسترش روحیه مشارکت‌جویی، اقدام به شناسایی مسایل و آسیب‌های محله، توانمندسازی اهالی محله و تسهیل فرآیندهای مشارکتی محلی از قبیل عمرانی، فرهنگی و اجتماعی می‌کند. این مسئول ادامه داد: پایگاه همیاران سلامت روان منبوتر به هدف کارزار افزایش نشاط اجتماعی در زنان، کودکان و نوجوانان در معرض آسیب محله نواب و همچنین با عناد آموزش مهارت کارآفرینی جوانان محله حیدری از دیگر پایگاه‌ها هستند که فعالیت خود را آغاز کردند.

۱۲ خراسان جنوبی

برپایی ۱۵۶۵ پایگاه جمع‌آوری فطریه

هزار و ۵۶۵ پایگاه برای جمع‌آوری زکات فطریه و کفاره در استان خراسان جنوبی برپا می‌شود. سیدمحمدرضا طالبی، معاون سیاسی استاندار خراسان جنوبی از ایجاد هزار و ۵۶۵ پایگاه برای جمع‌آوری زکات فطریه و کفاره در این استان خبر داد و گفت: همچنین در روستاها برای این امر ۴۰۰ پایگاه برنامه‌ریزی شده‌است. وی با بیان اینکه صندوق‌های جمع‌آوری زکات با برچسب نتیجه‌ان بهرپوری بیشتر و افزایش تولیدات است، وی افزود: افزایش سطح زیر کشت و حمایت از کشاورزان دیم‌کار در استان در سال جاری ارتقای بسیار خوبی پیدا خواهد کرد و قطعاً این طرح به خوبی در استان جواب می‌دهد. این مسئول ادامه داد: باید در اجرای طرح جشن تولید از کشت تک‌محصولی عبور کرده و تنوع کشت صورت گیرد تا دستایی به پایداری فطریه و کفاره در سطح استان ۲هزار نفر همکاری می‌کنند.

کمیته امداد کرمانشاه ۹هزار شغل برای مددجویان ایجاد کرد



این مسئول گفت: در سال گذشته ۲۵۳میلیارد تومان از طریق کمک‌های مردمی و ۹۸۴میلیارد تومان نیز خدمات حمایتی بلاعوض کمیته امداد ثبت شده که براساس برآوردهای انجام شده حدود ۲۵ درصدا

بهره‌برداری از ۱۵۰ کیلومتر بزرگراه در آذربایجان غربی

باهدف تسهیل اراضی ملی و زائران اربعین حسینی ۱۵۰کیلومتر راه و بزرگراه در آذربایجان غربی به بهره‌برداری می‌رسد. سیدمحسن حمزه‌لوف مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی گفت: برنامه‌ریزی شده در نیمه نخست امسال ۱۵۰ کیلومتر بزرگراه و راه اصلی با اولویت مسیرهای منتهی به پایانه مرزی ترمچین در مسیر ارتباطی استان به خصوص زائران اربعین حسینی احداث و در بهره‌برداری برسد. وی با بیان اینکه این میزان در محورهای مواصلاتی مختلف شمال و جنوب استان قرار دارند، افزود: تردد زائران اربعین حسینی از مرز ترمچین فرصتی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی و راه‌های ارتباطی آذربایجان غربی محسوب می‌شود و در این راستا از ظرفیت‌های موجود نهایت بهره‌برداری صورت می‌گیرد. این مسئول ادامه داد: اجرای عملیات در این باطی به منظور تسهیل تردد به خصوص حمل‌ونقل بین‌المللی در مسیرهای منتهی به پایانه مرزی ترمچین با تمام اقدام می‌شود.



چالش کم آبی زنجان با کاهش ورودی سد تهم

با توجه به حجم آب موجود در سد تهم و عدم تغییر در الگوی بارش‌ها، تأمین آب آشامیدنی زنجان در سال‌های آتی با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

اکبر باقری، سرپرست شرکت آب منطقه‌ای زنجان در مورد وضعیت آب شرب این استان گفت: در حال حاضر سه منبع شامل سدهای گلبر، تهم، کینه‌ورس و تالوار برای تأمین آب شرب در استان داریم و حجم پرشدگی سد تهم که در سال گذشته تقریباً ۳۱ درصد بود، امسال به ۲۱ درصد رسیده، یعنی نسبت به سال گذشته ۱۰درصد کاهش را شاهد هستیم.

وی در مورد میزان ذخیره آب پشت سدها بیان کرد: تا ۱۸ فروردین ماه حجم آب موجود در مخزن سد تهم حدود ۲۱ میلیون مترمکعب، سد گلبر ۵۰ میلیون مترمکعب، سد کینه‌ورس ۸/۵ میلیون مترمکعب و سد تالوار ۲۳ میلیون مترمکعب برآورد شده‌است.

سرپرست شرکت آب منطقه‌ای زنجان با اشاره به اینکه سد تهم منبع مهم تأمین آب شرب زنجان است، ابراز کرد: با توجه به حجم آب موجود در سد تهم در صورت عدم تغییر در شرایط اقلیمی و بارش و ادامه روند فعلی، طی سال‌های آتی تأمین آب شرب کل شهر زنجان از سد تهم با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه در راستای حفظ این منبع مهم و حیاتی شهر، ساخت و سازهای تهدیدآمیز در حریم آن، قلع و قمع شده‌است، و خاطر نشان کرد: علاوه بر این مطالعه راه‌های افزایش آورد از مناطق اطراف سد تهم در دستور کار مشاور قرار دارد.

باقری یادآور شد: با توجه به آورد سدها در سال آبی ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ ۱۴میلیون مترمکعب آب سد تهم برای تصفیه‌خانه فرتاده و وارد شبکه آبرسانی شهر کیم، ولی اکنون ۶میلیون مترمکعب بوده و ۵ میلیون نسبت به مصرف‌مان عقب هستیم.

وی در مورد منابع جدید تأمین آب شرب عنوان کرد: ۱۰ حلقه چاه جدید از نسوی آب و فاضلاب برای جبران کم‌آبی سد تهم و چاه‌های شرق زنجان در خواست شده که نسبت به صدور مجوزهای لازم اقدام شده‌است.

سرپرست شرکت آب منطقه‌ای زنجان با اشاره به اینکه بیش از ۸۰ درصد مصرف آب شرب در کل استان زنجان چه در شهرها و چه در روستاها از آب‌های زیرزمینی تأمین می‌شود، این موضوع رنگ خطری برای افت آب‌های زیر زمینی به‌شمار می‌رود.

گذری پر استان‌ها

■ **هرگز می‌توانست:** محمود احمدی‌نیش، نماینده مردم شهرستان شازند گفت: عملیات اجرایی ساخت بیمارستان ۱۲۰تختخوابی این شهرستان توسط سهامدار عمده شرکت پتروشیمی شازند (گروه توسعه بانک ملی) آغاز شد.

وی افزود: هزینه ساخت این بیمارستان حدود هزار میلیارد تومان برآورد شده که با توجه به صوبیه هیئت دولت سیزدهم از نسوی شرکت پتروشیمی شازند پرداخت و تجهیز و تأمین نیروی انسانی این بیمارستان هم توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام می‌شود.

■ **خوزستان:** هم‌زمان با ایام ماه مبارک رمضان و لیالی پرفیض قدر، به همت پایگاه مقاومت بسیج شهدای رمضان و خدمات و پشتیبانی مناطق عملیاتی شرکت نفت و گاز اروندان بیش از هزار بسته کمک معیشتی و ازراق قهرام و میان ساکنان مناطق محروم همجوار تأسیسات نفتی غرب کارون توزیع گردید.

■ **مازندران:** منصوری‌علی زارعی، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی با اعلام اینکه در حال حاضر ۳۰۰ تا ۲۰۰هزار تن برنج در انبارهاست، تصریح کرد: امسال ۸۸هزار هکتار از شالیزارهای مازندران تحت آسیب خشکسالی است که از این میزان ۲۰ هزار هکتار گرفتار خشکسالی و حتی برخی اراضی کشت نشده که باید چاره‌اندیشی شود.

■ **کهگیلویه و بویراحمد:** سرهنگ جابر پیوست، رئیس پلیس راهمایی و رانندگی استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: در سال گذشته ۲۸۱فوت در سبب معابر و خیابان‌های شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد به ثبت رسید که این میزان نسبت به سال قبل ۶۷درصد افزایش داشت. از مجموع این فوتی‌ها ۱۴ نفر غیر پیاده بودند.

وی افزود: ۲۲ نقطه حادثه‌خیز در سطح شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد شناسایی شده‌است که باید هر چه سریع‌تر نسبت به رفع آنها اقدام شود.

■ **همدان:** جعفر کاویانی دلشاد، مدیر امور عشایر همدان گفت: در راستای اعطای تسهیلات به منظور پروراندی دام سبک‌عشار، این اداره‌اقدام به توزیع ۵میلیارد و ۷۱۰ میلیون تومان از منابع صندوق توسعه ملی بین عشایر تحت پوشش به منظور حمایت از زنجیره تولید گوشت قرمز و افزایش تولید گوشت قرمز و همچنین حمایت از بنیان اقتصادی خانوارهای عشایر کرده‌است.

وی افزود: بیشتر جذب به ترتیب مربوط به شهرستان‌های همدان با مبلغ ۲میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان، نهاوند یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان و تویرسرگان ۵۸۵میلیون تومان است. ■ **آذربایجان غربی:** مجید رستگاری، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان غربی با بیان اینکه ۶۴درصد از حجم مخازن سدهای استان نسبت به حجم نرمال پر است، افزود: براساس سنجش ۲۴فروردین ماه، هزار و ۲۴۲ میلیون مترمکعب آب در مخازن سدهای استان ثبت شده‌است که این میزان در مدت مشابه سال گذشته ۱۳۶۰ میلیون مترمکعب بود.

وی بیشترین حجم آب در بین سدهای استان را به ترتیب مربوط به سد بوکان با ۷۰۰میلیون مترمکعب، مه‌باد با ۱۴۴ میلیون مترمکعب و سد آغ چای با ۱۰۵ میلیون مترمکعب اعلام کرد.

■ **ایلام:** فرشاد یاسمی، مدیر کل امور عشایر استان ایلام گفت: در بارش‌های اخیر بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر از راه‌های عشایری دچار خسارت شده و حجم خسارت بیش از ۸۰۰میلیارد ریال است.





ظرفیت ۸۰۰ میلیون دلاری تجارت ایران و عربستان

روح‌الله لطیفی، سخنگوی سابق گمرک جمهوری اسلامی ایران و سخنگوی کمیسیون روابط بین‌الملل و توسعه تجارت خانه صمت در گفت‌وگویی درباره روابط تجاری ایران و عربستان می‌گوید: «افتتاح اتاق بازرگانی مشترک قطعا به افزایش تجارت و نزدیک کردن تجار دو طرف به یکدیگر کمک می‌کند، اما موضوع ما و عربستان در گام اول اساسا اتاق مشترک نیست؛ دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در بحث تجارت متأثر از برخی سیاست‌های حکمرانی هستند، برای مثال ممکن است ایران با برخی کشورها مانند امارات، ترکیه، افغانستان و آذربایجان، اختلافات سیاسی و حتی مرزی داشته باشند اما تجارت میان این کشورها تأثیر چندانی از این موضوع نپذیرفته است، درحالی‌که با عربستان خلاف این اتفاق است و عربستان از جمله کشورهایی محسوب می‌شود که به دلایل مختلف تجارت تحت تأثیر سیاستگذاری‌های حکمرانی آن با ایران قرار گرفته است.»

وی می‌افزاید: «در نتیجه می‌توان گفت زمانی تجارت میان ایران و عربستان شاهد رشد در گذشته بود که روابط سیاسی در عالی‌ترین سطح خود بود و زمانی که روابط سیاسی حذف شده، تجارت میان دو کشور کاهش و در نهایت به صفر رسید، بنابراین هنگامی‌که دو کشور از دوسال گذشته با یکدیگر وارد مذاکره شدند و چند دور مذاکره انجام دادند باعث شد تا تجارت ایران و عربستان که کاملاً متوقف بود آغاز شود و بر اساس نوع مذاکرات روابط تجاری مجدداً حتی با حداقل میزان شکل گیرد.»

لطیفی تصریح می‌کند: «هنگامی که مذاکرات به نتیجه نزدیک شد از سه ماه گذشته تاکنون بیش از ۱۴ میلیون دلار تجارت فولاد میان دو کشور انجام شد، باید به این نکته توجه کرد که تجارت‌های مرتبط با فولاد معمولاً بازارهای مستمر و ادامه‌دار را می‌طلبد و این موضوع نشان دهنده آن است که روابط تجاری دو کشور برای مباحثی مانند فولاد که به استمرار نیاز دارد مهیا شده است، در نتیجه این موضوع در ۱۱ ماه گزارش اعلامی گمرک در سال گذشته با ۱۴ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار تجارت میان ایران و عربستان به اتمام رسیده که نشان دهنده نزدیک شدن روابط به نتیجه مثبت است.»

لطیفی مزایای برقراری روابط تجاری میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را در ایجاد کریدور ترانزیتی جدید و برطرف کردن نیازها متقابل می‌داند و می‌گوید: «با برقراری روابط تجاری میان این دو کشور مسیر عبور کالا و انرژی از خلیج فارس به سمت آسیای میانه، قفقاز، شرق اروپا و روسیه برای عربستان مهیا می‌شود و از سوی دیگر عربستان می‌تواند مسیر عبور کالا از آسیای میانه، قفقاز، روسیه و ایران از مسیر جاده‌ای و ریلی از خاک این کشور به سمت دریای سرخ و مدیترانه باشد، به این مفهوم که مسیر جدیدی در حوزه ترانزیت فعال می‌شود که کالا را از این منطقه پرجمعیت به منطقه پرمهمیت آفریقا و اروپا انتقال می‌دهد، عرصه دیگر همکاری‌هایی که میان ایران و عربستان در حوزه اقتصادی می‌تواند صورت بگیرد به شدت قابل توجه است، بحث سرمایه‌گذاری عربستان سعودی در ایران اخیراً در حال مطرح شدن است و سرمایه‌گذاری معمولاً در جایی اتفاق می‌افتد که ریسک سرمایه‌گذاری در آن کم باشد و آینده روشنی وجود داشته باشد، این موضوع نشان می‌دهد علاقه‌مندی عربستان برای سرمایه‌گذاری در بازار ایران و کشش بازار ایران برای سرمایه‌گذاری عربستان مطلوب است، این موضوع می‌تواند دو کشور را برای همکاری و همگرایی‌های بیشتر در آینده سوق دهد.»

وی تأکید می‌کند: «با توجه به اینکه عربستان سعودی سرزمین خشک و کم‌بارانی است و جمهوری اسلامی

ایران سرزمین چهار فصل، ایران می‌تواند در زمینه مواد غذایی تأمین کننده و شریک مطمئن و راهبردی برای این کشور محسوب شود، همچنین انواع فولاد و آلیاژهای مرتبط با آن را برای صنایع نوپای عربستان فراهم کند. از سوی دیگر عربستان می‌تواند پلی برای تکنولوژی‌های تحت تحریم برای ایران باشد و در حوزه‌های امنیت، همکاری کشورهای منطقه، برون‌رفت از چالش‌های فعلی امنیتی منطقه از جمله در یمن، لبنان، تولید و عرضه همدند نفت در بازارهای جهانی با همراهی و تعامل جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی می‌تواند به شدت تنش‌ها را کاهش دهد و به سود دو کشور و جهان اسلام باشد.»

سخنگوی کمیسیون روابط بین‌الملل و توسعه تجارت خانه صمت، دو کشور ایران و عربستان را با تمام وجود تمامی اشتراکات، هویت و حکمرانی متفاوت می‌داند و می‌گوید: «باید مد نظر داشته باشیم که دو کشور به‌رغم اشتراکات فراوان تفاوت‌هایی هم دارند و باید تلاش مشترکات یکدیگر را تقویت و تفاوت‌ها را درک کنند، شاید بسیاری از چالش‌ها به تفاوت هویت دو کشور برگردد که هر کدام ضمن افزایش مؤلفه‌های قدرت، بخشی از فرهنگ، مذهب و اندیشه‌ها را در منطقه نمایندگی می‌کنند و روابط مستمر این دو کشور نیازمند درک این موضوعات است.»

لطیفی در پایان خاطر نشان می‌کند: «بسته به نوع تغییراتی که در سیاستگذاری‌های دو کشور ایجاد می‌شود می‌توانیم انتظارات متفاوتی از حجم تجارت و نوع سرمایه‌گذاری‌ها داشته باشیم اما در خوشبینانه‌ترین حالت می‌توانیم انتظار بیش از چندین میلیارد دلار تجارت میان ایران و عربستان را داشته باشیم. پیش‌تر عربستان سعودی در حوزه‌های مواد غذایی، استحصال و تهیه روغن خوراکی، آبیوم و از معادن، ماشین‌آلات مرتبط با صنایع، حوزه گردشگری و حمل و نقل و ترانزیت را از عربستان داشت، با توجه به میانجیگری چین برای توافق میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی یکی از بهترین سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند روی حمل و نقل زمینی از چین به مقصد عربستان از طریق ایران و عراق یا حمل و نقل تر کبیعی از چین به عربستان از طریق ایران و خلیج فارس باشد که برای آن به سرمایه‌گذاری در حوزه مسیرهای انرژی، ریلی و کشتیرانی ایران نیاز است.»

«جوان» اهمیت و نقاط ضعف و قوت تجارت خارجی را واکاوی می‌کند

عقب‌ماندگی تجارت خارجی با ضعف مدیریت



طولانی و گاهی پول پرداخت می‌شود و سه ماه بعد ارز را دریافت می‌کند و معلوم نیست در این سه ماه واردات کالا مقرون به صرفه باشد یا خیر!؟ صادرکننده هم مشکل دارد و باید ارز را با همان نرخ دستوری به سامانه‌ها بازگرداند و آن هم باعث می‌شود خیلی از صادرات مقرون به صرفه نباشد.»

میر کریمی خاطرنشان می‌کند: «خیلی‌ها ادعا می‌کنند نرخ ارز باید از این میزان هم پایین‌تر بیاید و آن هم به شکل دستوری باشد ولی اینکه چطور انجام شود و با صادرات مقرون به صرفه است را کسی به آن اشاره نمی‌کند، طبیعتاً اینها نشان می‌دهد سهم ما از تجارت جهانی روز به روز کمتر می‌شود و نمی‌توان گفت همه عوامل مربوط به تحریم‌های بین‌المللی است، بلکه بخش عمده مربوط به سیاستگذاری‌های داخلی است.»

وی با اشاره به راهکاری که در خصوص تقویت تجارت جهانی باید انجام گیرد، می‌افزاید: «یک قانون تسهیل فضای کسب و کار داریم که باید این قانون اجرا شود، دولت‌ها اگر بخواهند بخشنامه‌ای صادر کنند محدودکننده در زمینه ارزی و تجارت خارجی است، این را باید از اتاق بازرگانی و تشکل‌ها استعلام بگیرند و نظر آنها را ببرند، این امر کمک می‌کند بخشنامه‌ها پخته‌تر صادر شود، موافقتنامه تجارت آزادی که داریم با کشورهای دیگر به صورت جدی پیش برده شود، مذاکرات سختی است چون باید در ازای امتیازاتی که برای بازارها می‌گیریم امتیاز بدهیم،» میر کریمی می‌گوید: «در کشوری هستیم که انواع صنایع شکل گرفته و به شکل حمایتی است، وقتی بخواهد تعرفه‌های حمایتی کم شود کار برای آنها سخت می‌شود، بنابراین باید فضای کسب و کار تسهیل یابد و اگر امتیاز کم‌رکمی به شرکت خارجی و کشور خارجی داده می‌شود، تولیدکننده‌ها می‌توانند گامان با آن رقابت کنند، اصرار نداشته باشیم هر چه تیلز داریم را در داخل تولید کنیم.»

وی در پایان خاطرنشان می‌کند: «اگر صادرات محور باشیم باید نیازهای کشورهای همسایه را ببینیم و چک کنیم و برای آن صنایع صادراتی تأسیس کنیم، در همه جای دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که این صنایع صادراتی هستند که با بازارهای مقرون به صرفه استفاده می‌کنند و هزینه‌های خود را کاهش می‌دهند، چون حجم تولید بالا می‌رود، کشورهای که عضو چندین پیمان تجارت منطقه‌ای هستند مثل مالزی، که خانه‌ها بالای صادرات تولید می‌کنند، سه شرکت کار می‌کنند و هزینه تولید به شدت برای آنها کاهش می‌یابد.»

جمع‌بندی

به‌نظر می‌رسد ریشه اصلی عقب‌ماندگی در توسعه تجارت خارجی، به نوع مدیریت و حکمت حاکم بر این حوزه برمی‌گردد و اگر یک تجدیدنظر اساسی در این خصوص انجام شود، ظرفیت‌های توسعه تجارت خارجی و ارز آوری با صادرات غیرنفتی ممکن است، البته گریزکردن در دام گفتار درمانی و صرفاً ارائه گزارش‌های بی‌پشتوانه دلیلی بر موفقیت در عرصه توسعه تجارت خارجی نیست، با گذشت ۲۰ ماه از عمر دولت سیزدهم هنوز به سقف صادرات غیرنفتی عمل نشده‌ایم که این نشان از ضعف مدیریت این حوزه دارد، البته شاید تحریم‌ها و این قبیل موضوعات بهانه‌گیری شود، اما مدیریت مهم در صورتی باسما بود که با وجود مشکلات به موفقیت نائل آید.

نقشه راه، لازمه توسعه تجارت خارجی

همچنین کامبیز میر کریمی، نایب رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه در خصوص روش‌های نادرست در تجارت خارجی به «جوان» می‌گوید: «تجارت خارجی در اولویت سیاستگذاری اتاق بازرگانی نیست، سازمان توسعه تجارت داریم ولی آن اختیاراتی که باید در تدوین قوانین داشته باشد، ندارد، در حال حاضر دغدغه ستاد تنظیم بازار، کنترل نرخ‌های داخلی است و حاصل این می‌شود که صادرات‌ها نیاز داخل انجام می‌شود.»

وی می‌افزاید: «در ایران کسی را نداریم که مجموعه یا



به‌نظر می‌رسد ریشه اصلی عقب‌ماندگی در توسعه تجارت خارجی، به نوع مدیریت و حکمت حاکم بر این حوزه برمی‌گردد و اگر یک تجدیدنظر اساسی در این خصوص انجام شود، ظرفیت‌های توسعه تجارت خارجی و ارز آوری با صادرات غیرنفتی ممکن است، البته گریزکردن در دام گفتار درمانی و صرفاً ارائه گزارش‌های بی‌پشتوانه دلیلی بر موفقیت در عرصه توسعه تجارت خارجی نیست



ساختار بانک اطلاعاتی با داشبورد اطلاعاتی طراحی نشده است، در این زمینه تنها بانک مرکزی در قالب بانک اطلاعات سری زمانی آمارها را به‌صورتی مناسب ارائه می‌دهد. همچنین آمارهای سالانه گمرک، سازمان توسعه تجارت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و مرکز آمار ایران هیچ‌یک در قالب یک سامانه و داشبورد مناسب اطلاعاتی ارائه نمی‌شوند، وی می‌افزاید یکی از موضوعات بسیار مهم در زمینه آمار، وجود اختلاف در اعداد و ارقام منتشر شده بین دستگاه‌های مختلف است، یکی از مصادیق اختلافات آماری، مربوط به طبقه‌بندی صادرات غیرنفتی است که توسط گمرک و بانک مرکزی ارائه می‌شود، بخشی از این

تفاوت‌ها با شباهت‌هایی دارد، این گزارش از دیگر نقاط ضعف نظام آمار بازرگانی خارجی کشور، عدم استمرار در تهیه و انتشار برخی از آمارهای مفید برمی‌شورد و تصریح می‌کند از موارد مهم تفاوت بین نظام آمار بازرگانی خارجی در ایران و تجارب موفق دنیا، شکل قالب و ساختار ارائه آمارهاست، متأسفانه در این زمینه در ایران ضعف‌های جدی وجود دارد، سازمان توسعه تجارت هنوز آمارهای منتشر شده را در قالب فرمت PDF ارائه می‌کند که به‌هیچ‌وجه مناسب نیست.

بر اساس این گزارش اگرچه آمارهای گمرک و مرکز آمار ایران در قالب فرمت Excel در دسترس هستند، اما برای آن هیچ‌گونه

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «آسیب‌شناسی تطبیقی آمار تجارت خارجی در ایران آورده است: یکی از ابزارهای ضروری برای سیاستگذاری کارآمد در نظام اقتصادی، دسترسی به آمارهای صحیح، به‌روز و جامع است، بازرگانی خارجی یکی از حوزه‌های مهم اقتصادی است که معمولاً سیاستگذاری در این زمینه با پیچیدگی خاصی همراه است، ازاین‌رو اهمیت دسترسی به آمارهای صحیح، به‌روز و جامع در آن دوچندان است، در ایران دستگاه‌های مختلفی در امر تولید و انتشار آمار بازرگانی خارجی دخیل اند که در مهم‌ترین آنها شامل گمرک جمهوری اسلامی ایران، سازمان توسعه تجارت ایران، مرکز آمار ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هستند، این گزارش با نگاهی به تجربیات جهانی عنوان می‌کند ساختار نظام آماری کشورهای منتخب در زمینه بازرگانی خارجی دارای ویژگی‌هایی شامل انتشار آمارهای تجارت خارجی با وقفه کوتاه و برحسب توان‌های کمتر از یک سال (ماهانه یا حداقل فصلی)، ارائه آمارها در قالب‌های مناسب ازجمله اکسل (Excel) و به‌صورت یک داشبورد اطلاعاتی و انتشار داده‌ها برحسب کدهای SITC به‌صورت تفکیک فعالیت غیر از انتشار داده‌ها در قالب کدهای HS است.

بر اساس این گزارش بررسی نظام آمار بازرگانی خارجی در ایران در مقایسه با تجارب موفق جهانی نشان می‌دهد اگرچه گمرک جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۱ (که بعد سابقه مناسبی از ارائه آمارهای تجارت برحسب کدهای HS دارد، اما طبقه‌بندی دیگری غیر از این آمارها ارائه نمی‌دهد، ضمن آنکه اگرچه بانک مرکزی و مرکز آمار ایران نیز با استفاده از آمارهای خام گمرکی، اقدام به ارائه طبقه‌بندی‌های آمار تجارت خارجی برحسب کدهای فعالیت کرده‌اند، اما متأسفانه انسجام کافی و سازگاری مناسب در آمارهای مذکور دیده نمی‌شود، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با بیان اینکه وجود وقفه زمانی مؤثر در ارائه آمارها، یکی از اشکالات نظام آمار بازرگانی کشور است، عنوان می‌کند در بسیاری از موارد مشخص نیست محتوای آمار ارائه شده با آمارهای مشابه آن چه



